

آموزش دین چهارم

درس اول

در گذشته دانستیم که:

۱- برای آشنایی بهتر و بیشتر با آفریدگار جهان، باید به دو دسته از آیات و نشانه‌های او، یعنی نشانه‌های او در خلقت خودمان و به نشانه‌های او در خلقت آسمانها و زمین توجه و اندیشه کنیم.

۲- در جهان، یک آفریدگار وجود دارد و او خدای یکتاست، و اگر دو خدا در جهان بود، جهان به تباهی و فساد کشیده می‌شد.

۳- صفات خداوند مانند علم و قدرت او نامحدود و بی‌انتهاست، و با صفات محدود بشری قابل مقایسه و یا قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد؛ زیرا با پیمانهای که ظرفیتی محدود دارد، نمی‌شود چیزی نامحدود را اندازه‌گیری کرد.

۴- مهم‌ترین صفاتی را که خداوند دارا می‌باشد علم، قدرت و حیات است.

۵- چون انسانها نمی‌توانند ذات خداوند را بشناسند؛ بنابراین، باید از فکر کردن در ذات او پرهیز کنند و به فرمایش امام باقر(ع): اگر خواستید به عظمت خداوند پی ببرید، به عظمت مخلوقات او توجه کنید.

۶- خداوند «عادل» است و عدل یکی از صفات خداوند است، اما همهٔ مسلمانها به آن اعتقاد ندارند و گروهی از مسلمانان به نام «اشاعره» به طور کلی، منکر عدالت خداوند شده‌اند و گفته‌اند: عدالت و ظلم در مورد خداوند معنا ندارد، و خداوند هر کاری بکند عین عدالت است، ولو اینکه همهٔ نیکان عالم را به جهنم ببرد.

۷- صفات خداوند عین ذات اوست؛ مثلاً همیشه عالم بوده و عالم خواهد بود؛ بنابراین، نمی‌توانیم صفات خداوند را با صفات بشری مقایسه کنیم.

۸- خداوند از هر گونه نقصی و یا هر گونه صفتی که دلالت بر نقصان و یا احتیاج کند پاک و منزّه است.

۹- بیشتر مردم به خاطر اینکه دنیای خویش را آباد و آخرت خود را ویران کرده‌اند، از مرگ گریزانند.

۱۰- مرگ نیکان و بدان متفاوت است؛ مرگ مؤمن، آغاز راحتی او و مرگ غیر مؤمن آغاز سختیها و ناراحتی‌های اوست.

۱۱- ایمان به معاد، ضامن اجرای قوانین الهی می‌باشد، و انگیزهٔ تهذیب نفس را در انسان، تقویت کرده و روح دنیاپرستی را که ریشهٔ همهٔ گناهان است از بین می‌برد.

۱۲- زنده شدن طبیعت در اثر باران، از نشانه‌های رستاخیز در دنیاست، و از نمونه‌های دیگر رستاخیز، داستان عزیز پیامبر و داستان حضرت ابراهیم و چهار پرنده و داستان عرب بیابانگردی است که قطعه‌ای استخوان پوسیده را نزد پیامبر آورد و آنها را پودر کرده و گفت: «چه کسی دوباره آنها را زنده می‌کند؟».

۱۳- اولین عالمی که انسان، پس از عالم دنیا به آن وارد می‌شود، عالم برزخ است. عالم برزخ، عالمی است

آموزش دین (۴)

بین دنیا و آخرت. عالم برزخ برای نیکان بسیار خوشایند بوده، و برای گناهکاران دارای شرایطی بسیار سخت است.

۱۴ - اولین مرحله از عالم برزخ، مرحله قبر است که انسان در این مرحله، پاسخگوی اصول عقاید خود می‌باشد.

سؤالهای درس اول

۱. چگونه باید خدا را بهتر شناخت؟
۲. ویژگی‌های صفات خداوند چیست؟
۳. امام باقر(ع) پیرامون فکر کردن در ذات خدا چه فرمود؟
۴. چرا بیشتر مردم از مرگ می‌ترسند؟
۵. فواید ایمان به معاد چیست؟
۶. عالم برزخ کجاست؟ ویژگی آن چیست و اولین مرحله آن کدام است؟

درس دوم

مسافر کیست؟

از نظر دستورات اسلام، مسافر به کسی گفته می‌شود که مقدار ۴۵ کیلومتر راه را از وطن خود طی کند (این مقدار برابر هشت فرسخ شرعی است)؛ خواه مسیر فوق را فقط در رفتن و یا اینکه در رفتن و برگشتن طی کند؛ یعنی ۲۲/۵ کیلومتر برود و ۲۲/۵ کیلومتر برگردد.

احکام نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با بودن شرایطی که می‌آید شکسته بخواند؛ یعنی دو رکعت به جا آورد. آن شرایط عبارتند از:

- ۱- سفر او کمتر از ۸ فرسخ شرعی، یعنی ۴۵ کیلومتر نباشد؛
- ۲- از اوّل سفر، قصد هشت فرسخ را داشته باشد؛
- ۳- در بین راه، از قصد خود برنگردد؛
- ۴- پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود نگذرد؛
- ۵- برای کار حرام سفر نکند و یا سفرش موجب اذیت پدر و مادر نباشد؛
- ۶- از صحرا نشینان نباشد، مانند عشایری که به دنبال دام خود سفر می‌کنند؛
- ۷- شغل او مسافرت نباشد، مانند رانندگان اتوبوسها؛
- ۸- به حدّ ترخص برسد.

وطن کجاست؟

از نظر شرعی وطن به جایی گفته می‌شود که انسان در آنجا به دنیا آمده باشد، و یا آنکه قصد ماندن همیشگی در آنجا را کرده باشد.

حد ترخص چیست؟

حد ترخص یعنی اینکه انسان از وطنش یا جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند، به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود.

قصد ده روز

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم را در محلی بماند، باید در آن محل، نماز را تمام بخواند، و چنین مسافری اگر پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی در محلی که قصد کرده، از تصمیم اقامت ده روز در آن محل برگشت، تا هر چند روز که در آنجا باشد، باید نمازهای چهار رکعتی را تمام بخواند، اما اگر قبل از

آموزش دین (٤)
خواندن یک نماز چهار رکعتی، از تصمیم خود برگشت، باقی نمازها را باید شکسته بخواند.

سؤالهای درس دوم

١- مسافر کیست؟

٢- وطن کجاست؟

٣- حدّ ترخص چیست؟

٤- مسافر با وجود چند شرط باید نمازش را شکسته بخواند؟ نام ببرید.

٥- مسافر در صورتی که در محلّی قصد ده روز کرد و بعداً از تصمیم خود برگشت، در چه صورت

نمازهایش را شکسته و در چه صورت درست می خواند؟

درس سوم

با خانواده‌اش بد اخلاق بود

سالها قبل از اینکه جنگ احزاب واقع شود، پیامبر خدا(ص) مژده شهادت در راه خدا را به او داده بود. به او گفته بود که گروهی از کفار به وسیله تو کشته می‌شوند، و عرش الهی در مرگ تو به لرزه در می‌آید، و فردای قیامت، با شفاعت تو تعداد زیادی وارد بهشت می‌شوند. او در جنگ احزاب شرکت کرد و سخت مجروح شد، اما از خدا خواست که مرگ او را به تأخیر بیندازد تا شاهد خواری و شکست یهود بنی قریظه باشد؛ زیرا که آنها علیه مسلمانان، با کفار مکه هم‌دست شده بودند. اتفاقاً حکمیت بین مسلمانان و یهود بنی قریظه به خاطر پیمان شکنی، به سعد بن معاذ واگذار شد. او چنین حکم کرد که مردان آنان کشته شوند و زنان و فرزندانشان اسیر شوند. جبرئیل بر پیامبر نازل شد و به رسول خدا(ص) خبر داد که سعد بن معاذ به حکم خداوند حکم کرده است. حکم سعد اجرا شد و پس از آن، بر اثر زخمی که از جنگ در بدنش بود از دنیا رفت. خبر مرگ سعد را به پیامبر دادند. پیامبر فرمود: عرش خدا از مرگ سعد به لرزه درآمد. حضرت بلافاصله با اصحاب خویش برای انجام تشریفات به خاکسپاری سعد حرکت کرد و بر سر جنازه سعد، حاضر شد و دستور داد تا سعد را غسل دهند و خود در کنار درب ورودی محلی که جنازه را غسل می‌دادند ایستاد. سه غسل سعد تمام شد. پس از غسل دادن، او را حنوط و سپس کفن کردند و پیامبر بر او نماز خواند. جنازه سعد را بر روی تخته‌ای قرار داده و به سوی قبرش تشییع کردند. پیامبر با وضعی خاص در تشییع جنازه او شرکت کرد. پایش را برهنه کرده بود و عبایش را روی جنازه سعد انداخته بود، تا با او دفن کنند. گاهی سمت راست تخته را و گاهی سمت چپ تخته را می‌گرفت و این کار را تکرار می‌کرد تا به محل قبر رسیدند. پیامبر خدا(ص) خود وارد قبر شد و جنازه سعد را گرفت و در لحد قرار داد و با دقت، بلوکهای گلی را می‌گرفت و روی لحد را می‌پوشانید. او گاهی سنگ و گاهی گل می‌گرفت تا روی لحد را به خوبی بپوشاند. او تمام سوراخ‌ها و شکافهای بین بلوکها را با سنگ و گل پر کرد. سپس از قبر بیرون آمد و خاک در آن ریخت و روی آنرا صاف کرد و فرمود: می‌دانم که بعد از مدتی این بلوکها فرسوده شده و از هم می‌پاشند، اما خدا دوست می‌دارد وقتی بنده‌اش کاری را انجام می‌دهد، آن را به خوبی و با استحکام انجام دهد. مراسم دفن پایان پذیرفت و مردان از قبر کناره گرفتند. مادر سعد بر سر قبر آمد و گفت: «ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد». پیامبر فرمود: ای مادر سعد! ساکت باش و این چنین با جزم و یقین سخن مگو؛ زیرا که هم اکنون بر سعد فشاری وارد شده که قدرت تحمل آن را ندارد. مادر سعد غمگین شد که چرا کسی را که پیامبر اینچنین در مراسم به خاک سپاری او همراهی کرد، و با پای برهنه او را تشییع کرد و خود در قبرش گذاشت و عبایش را با او دفن کرد، دچار فشار قبر باشد! پیامبر به منزل بازگشت و مردم از پیامبر پرسیدند که تو با سعد کارهایی کردی که با هیچ کس دیگر انجام نداده بودی، علت چیست؟ پیامبر(ص)

آموزش دین (۴)

فرمود: من بدون عبا و بدون کفش، سعد را تشیع کردم؛ زیرا که ملائکه اینچنین در تشیع جنازه سعد شرکت کرده بودند و من از آنها تبعیت کردم، و اینکه گاهی سمت راست و گاهی سمت چپ جنازه او را می‌گرفتم، بدین علت بود که دستم در دست جبرئیل بود و هر کجا که او می‌گرفت من هم می‌گرفتم. سؤال کردند که تو خود گفتی که او را غسل دهند و بر او نماز خواندی و خودت او را در قبر گذاشتی، اما در پایان گفتی که فشار قبر بر او وارد شد، علت چیست؟!

پیامبر فرمود: «سعد، با خانواده‌اش بد اخلاق بود!»

آری، مردم از بد اخلاقی او با خانواده‌اش باخبر نبودند؛ زیرا که او در بیرون خانه با همه، اخلاق نیکو داشت. پیامبر خدا (ص) فرمود:

«در روز قیامت چیزی به اندازه اخلاق نیکو، نامه عمل انسان را سنگین نمی‌کند.»

سؤالهای درس سوم

۱. پیامبر گرامی اسلام (ص) چه مژده‌هایی را به سعدبن معاذ داده بود؟
۲. سعدبن معاذ در کدام جنگ مجروح شد و از خدا چه خواست؟ آیا دعایش مستجاب شد؟
۳. پیامبر (ص) پس از شنیدن خبر فوت سعدبن معاذ چه کرد؟
۴. پیامبر (ص) در دفن بدن سعد چه نکته‌ای را رعایت کرد و سپس چه فرمود؟
۵. مادر سعد پس از دفن فرزندش چه گفت؟ پیامبر (ص) چه عکس‌العملی نشان داد؟
۶. چرا سعد دچار فشار قبر شده بود؟

درس چهارم

نفس صور چیست؟

در قرآن بارها از پدیده «نفس صور» یعنی دمیدن در شیپور، سخن به میان آمده است. نفس صور حادثه‌ای است عظیم که در جهان خلقت دو مرتبه اتفاق می‌افتد؛ یک مرتبه زمانی است که عمر دنیا به پایان رسیده و با اولین نفس صور، همه موجودات آسمانها و زمین می‌میرند، و نفس صور دوم، مدتی پس از نفس صور اول اتفاق می‌افتد. از مجموع آنچه درباره نفس صور در قرآن آمده، نتیجه می‌گیریم که حقیقت نفس صور، دمیدن در یک شیپور عادی نیست؛ بلکه حادثه‌ای عظیم است که خداوند با فرمانی، به سادگی دمیدن در یک شیپور که با صدای مهیبی همراه است، همه اهل آسمانها و زمین را می‌میراند، و با فرمانی دیگر، همه را برای شدن قیامت زنده می‌کند.

فاصله بین این دو نفس صور بر ما معلوم نیست و کسی آن را نمی‌داند. در نفس صور دوم، تمام انسانها که در طول قرنهای مرده‌اند، در یک زمان و با هم سر از قبرها بیرون می‌آورند، و برای رسیدگی به کارهایی که در دنیا انجام داده‌اند آماده می‌شوند.

آیا معاد، جسمانی است یا روحانی؟

«معاد جسمانی» یعنی اینکه انسانها، در سرای دیگر انسانها با همین جسم و روحی که در دنیا دارند، دوباره زنده می‌شوند و به اعمالشان رسیدگی می‌شود؛ اما منظور از معاد روحانی این است که جسم انسان پس از مردن و خاک شدن دیگر زنده نمی‌شود، بلکه در روز قیامت، فقط این روح انسان است که به حساب و کتاب کشیده می‌شود. عقیده ما بر این است که معاد، جسمانی بوده و خداوند می‌تواند انسان را به همین صورتی که در دنیا بوده زنده کند؛ زیرا این کار از آفرینش اولیه انسان که خداوند او را از هیچ آفریده است، آسان‌تر است.

بعضی از دلایل ما بر اینکه معاد، جسمانی است، نه روحانی، به شرح زیر است:

۱- خداوند در آیات متعددی از قرآن می‌گوید: در روز قیامت، شما از قبرها خارج می‌شوید و خروج از قبر مربوط به بدنی می‌شود که در قبر دفن شده است، نه روح انسان.

۲- در هر کجای قرآن که بحث از معاد به میان آمده، آنچه مورد انکار کفار بوده این بوده که چگونه پس از آنکه خاک شدیم و این خاکها پراکنده شدند دوباره زنده می‌شویم، و خداوند پاسخ داده: کسی که آفرینش ابتدایی را از هیچ انجام داده، می‌تواند دوباره زنده کند. (سوره یس، آیه ۷۹ و سوره عنکبوت، آیه ۱۹)

تجسم اعمال یعنی چه؟

آموزش دین (۴)

تجسم اعمال یعنی اینکه در روز قیامت بعضی از صفات و کارهای ما به شکلهای گوناگونی با ما خواهند بود، و همین تجسم اعمال بخشی از پاداش و کیفر در روز قیامت خواهد بود. قرآن در آیات متعددی با صراحت و یا با اشاره به مسأله تجسم اعمال اشاره کرده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱- مردم اعمال خود را در آنجا حاضر می‌بینند. (سوره کهف، آیه ۴۹)

۲- روز قیامت روزی است که هر کس کار خیری انجام داده است، آن را در نزد خود حاضر می‌یابد. (سوره

آل عمران، آیه ۳۰)

۳- مردم در آن روز، گروه گروه برانگیخته می‌شوند، تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. (سوره زلزال، آیه

۶)

شکل بسیاری از صفات و کارهای نیک و بد انسانها را در آیات و روایات اسلامی برای ما بیان کرده‌اند؛ مثلاً ظلم و بیدادگری به شکل ابری سیاه، و اموال نامشروع یتیمان به صورت شعله‌های آتش (سوره نساء، آیه ۱۰)، و ایمان به صورت نور و روشنایی (سوره حدید، آیه ۱۲)، و ربا خواری به صورت بیماری صرع (سوره بقره، آیه ۲۷۵)، و ثروت اندوزی نامشروع به صورت حلقه سنگینی برگردن صاحبانش همراه آنها خواهد بود.

سؤالات درسی چهارم

۱- حقیقت نفع صور چیست؟

۲- چند نفع صور داریم و در چه زمانهایی اتفاق می‌افتد؟

۳- معاد جسمانی و روحانی یعنی چه؟

۴- دو دلیل بر جسمانی بودن معاد بیان کنید.

۵- تجسم اعمال یعنی چه؟

۶- شکل بعضی از صفات و یا کارهای نیک و بد را در قیامت بنویسید.

درس پنجم

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خودش بخواند، و بهتر است که خود را عادت دهد تا همه آنها را در اول وقتش و به جماعت بخواند، و اگر نمازی را عمدتاً و بدون عذر در وقت خودش نخواند، نمازش قضا شده و گناهکار است و باید توبه کند و قضای آن را به جا آورد. البته گاهی اتفاق می افتد که انسان در وقت نماز خواب مانده و یا اینکه نمازی را که خوانده است بنا به دلیلی باطل بوده، که در این دو صورت، اگر چه نمازش قضا شده و باید قضای آن را به جا آورد، اما گناه نکرده است.

احکام نماز قضا

- ۱ - کسی، که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند؛ ولی واجب نیست آن را فوراً بجا آورد.
- ۲ - قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود.
- ۳ - کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، اگر مقدار کمتر را بخواند کافی است.
- ۴ - نماز قضا را با جماعت می شود خواند؛ چه نماز امام جماعت، ادا باشد یا قضا.
- ۵ - مستحب است بچه ای را که خوب و بد را می فهمد، به نماز خواندن و عبادت های دیگر عادت دهند؛ بلکه مستحب است او را به قضای نماز هم وادار نمایند.

نماز قضای پدر که بر پسر بزرگ تر واجب است

اگر پدر، نماز و روزه خود را انجام نداده باشد، بر پسر بزرگ تر واجب است که بعد از مرگ پدر قضای آن را انجام دهد، یا برای انجام دادن قضای نماز و روزه پدر اجیر بگیرد؛ یعنی اینکه به کسی پول بدهد تا نماز و روزه قضای پدر را به جا آورد.

- ۱ - اگر پسر بزرگ تر شک دارد که پدر، نماز و روزه قضا داشته یا نه، چیزی بر او واجب نیست.
- ۲ - اگر پسر بزرگ تر موقع مرگ پدر، نابالغ باشد، وقتی که بالغ شد باید نماز و روزه پدر را قضا نماید.

سؤالهای درس پنجم

- ۱ - نماز قضا چیست؟
- ۲ - کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، وظیفه اش چیست؟
- ۳ - اجیر گرفتن برای نماز و روزه یعنی چه؟

درس ششم

اولین منبر

ماه‌های اول هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه سپری شد و جمعیت مسلمانان کم کم زیاد می‌شد. پیامبر (ص) تا آن روز، برای سخنرانی در مسجد به تنه درخت خرمايي که ریشه‌هايش هنوز در خاک پابرجا بود تکیه می‌کرد و برای مردم صحبت می‌کرد. اما حالا که پس از دو سال از هجرت، جمعیت زیاد شده بود، مردم می‌خواستند که پیامبر را هنگام سخنرانی بهتر ببینند. زنی از انصار به نزد پیامبر آمد و گفت: «غلامی دارم که نجار است، آیا اجازه می‌دهید که به او بگویم برای شما منبری بسازد؟» پیامبر موافقت فرمود. منبری سه پله‌ای ساخته شد و به مسجد آوردند. روز جمعه فرا رسید. مسلمانان در مسجد جمع شدند تا به خطبه‌های نماز جمعه پیامبر گوش فرا دهند. برای اولین بار پیامبر از پله‌های آن منبر بالا رفت. در همان لحظه، از تنه درختی که پیامبر هر روز برای صحبت به آن تکیه می‌داد، ناله‌ای مانند ناله کودک بلند شد. همه حاضران آن را شنیدند. این ناله به خاطر فراق پیامبر بود. پیامبر به سوی آن آمد و دستی بر آن کشید و درخت ساکت شد. پیامبر سپس به طرف پلکان منبر آمد. او هر دفعه که از هر پله بالا می‌رفت، «آمین» می‌گفت و سه بار این کلمه را تکرار می‌کرد. می‌دانید که این کلمه در پایان دعا و یا نفرین گفته می‌شود و گوینده آمین از خدا می‌خواهد که آن دعا و یا نفرین مستجاب شود. حاضران با خود گفتند: پیامبر (ص) در پاسخ دعا و یا نفرین چه کسی آمین گفت؟ برای همگی جای سؤال بود، اما طولی نکشید که پاسخ این سؤال روشن شد. پیامبر روی منبر نشست و اصحاب سؤال کردند: یا رسول الله! به خاطر چه آمین گفتی؟! پیامبر فرمود: اولین پله را که بالا آمدم، جبرئیل به سویم آمد و چنین نفرین کرد: «خدا نیامرزد کسی را که پدر و مادر داشته باشد و حق آنها را ادا نکند»، من هم آمین گفتم. هنگامی که بر دومین پله پا گذاشتم، گفت: «خدا نیامرزد آن کس را که نام تو در نزد او برده شود و او بر تو صلوات نفرستد»، من هم آمین گفتم. چون بر پله سوم پا گذاشتم، گفت: «خدا نیامرزد کسی را که ماه مبارک رمضان باشد و از گناهان خویش توبه نکند»، من هم آمین گفتم.

چند سال بعد، یکی از روزها خواهر رضاعی رسول خدا (ص) یعنی دختر «حلیمة سعدیه» نزد آن حضرت آمد، پیامبر که پس از حدود ۵۰ سال خواهر رضاعی خود را دید، بسیار شاد شد. عباي خود را روی زمین پهن کرد و او را روی آن نشانده و سپس در حالی که لبخند بر لب داشت، با خواهرش شروع به گفتگو کرد، و به او احترام زیادی گذاشت تا اینکه او برخاست و رفت. طولی نکشید که در همان روز، برادر رضاعی آن حضرت هم به دیدارشان آمد، اما پیامبر (ص) به اندازه‌ای که به خواهرش احترام گذاشته بود، به برادر رضاعیش احترام نگذاشت. کسی که در هر دو دیدار حضور داشت، از رسول خدا پرسید: «چرا آن گونه که به خواهر رضاعی خود احترام کردی، به برادر رضاعی خود احترام نکردی؟!» پیامبر (ص) فرمود: «زیرا که آن خواهر بیش از برادر به پدر و مادر نیکی می‌کند.»

آموزش دین (٤)

پیامبر خدا(ص) فرمود: بر من صلوات ناقص نفرستید، بلکه هنگامی که صلوات می فرستید بر اهل بیت من هم صلوات بفرستید؛ زیرا که فردای قیامت همه نسبتهای فامیلی از بین می رود، مگر نسبت من با اهل بیتم.

پیامبر(ص) شیوه صحیح صلوات را چنین بیان فرمود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

پیامبر(ص) فرمود: هر کس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند بر او ده صلوات می فرستد.

سؤالهای درس ششم

۱. چرا زنی از انصار پیشنهاد ساخت منبر برای پیامبر را داد؟
۲. وقتی پیامبر برای اولین بار می خواست از پله های منبر ساخته شده بالا رود، چه اتفاقی افتاد؟ پیامبر چه کرد؟
۳. پیامبر(ص) هنگام بالا رفتن از منبر سه مرتبه «آمین» گفت و اصحاب از ایشان علت را پرسیدند، پاسخ پیامبر چه بود؟
۴. پس از حدود چند سال، پیامبر(ص) خواهر و برادر رضاعی خویش را دید؟ برخورد او با آنان چگونه بود؟
۵. پیامبر پیرامون فرستادن صلوات بر آن حضرت چه فرمود؟ صلوات صحیح چگونه است؟

درس هفتم

نامه عمل چیست؟

نامه عمل انسان عبارت است از چیزی که تمام کارهای نیک و بد و کوچک و بزرگ انسان به وسیله فرشتگان خداوند در آن ثبت می‌شود. امروزه با توجه به وجود دوربین‌های کوچک فیلمبرداری و CDهای فشرده‌ای که حجم زیادی از تصاویر و فیلمها در آن ضبط می‌شود، اعتقاد به نامه عمل کاری راحت است. قرآن می‌گوید: «انسان هیچ سخنی نمی‌گوید، مگر آنکه فرشته‌ای در نزد او آماده انجام مأموریت می‌باشد» (سوره ق، آیه ۱۸) از این آیه چنین می‌فهمیم که فرشته مراقب انسان، همه اعمال، حتی سخن گفتن ما را ثبت می‌کند.

ویژگیهای نامه عمل انسان عبارت است از:

۱ - تمام کارهای انسان، هر چند بسیار کوچک باشد و در دنیا کسی به آن توجه نکند، مانند چشم به هم زدن، در آن ثبت می‌شود.

۲ - در نامه عمل هر کس، همه کارهای او به همراه آثار و نتایج آنها ضبط و نگهداری می‌شود؛ مثلاً اگر کسی کتاب گمراه کننده‌ای نوشته باشد، گناه هر کس که به واسطه آن کتاب، گمراه می‌شود نیز در نامه عمل نویسنده آن کتاب ثبت می‌شود.

۳ - نامه عمل هر کس به همراه صاحب آن است و قدرت اینکه آن را از خود جدا کند ندارد. امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که قیامت بر پا می‌شود، نامه عمل انسان را به دست او می‌دهند و سپس به او گفته می‌شود: بخوان کسی سؤال کرد: آیا انسان آنچه در آن نامه است می‌شناسد؟! حضرت فرمودند: خداوند چنان به یاد او می‌آورد که هیچ سخن گفتن و یا قدم برداشتنی نیست، مگر آنکه گویا در همان ساعت انجام داده است.

در قیامت نامه عمل نیکان به دست راست آنها، و نامه عمل گناهکاران به دست چپ آنها داده می‌شود.

میزان قیامت چیست؟

«میزان» در لغت به معنای وسیله سنجش است. میزان هر چیزی مناسب با همان چیز است، مثلاً میزان سبزی فروش ترازوی او، و میزان آب، شماره گر مخصوص آن و میزان گرمی و سردی هوا دماسنج است.

میزان انسانها در روز قیامت چیزی است که به وسیله آن ارزش انسان و اعمال او بر حسب ایمان و علم و نیت او سنجیده شده و ارزش گذاری می‌شود. قرآن می‌گوید: هر کس وزن اعمالش سنگین باشد، در زندگی پسندیده به سر می‌برد، و هر کس وزن اعمالش سبک باشد، جایگاهش دوزخ است. (سوره القارعه، آیات، ۹ -

(۶)

در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۴۷ سوره انبیاء چنین آمده است: منظور از میزانها در این آیه، انبیا و

آموزش دین (۴)

اوصیا هستند. و در بعضی از روایات دیگر امامان ما فرموده‌اند: ما میزانهای عدالت هستیم. از مجموع این روایات به این نتیجه می‌رسیم که مسلمانها همیشه باید از انبیا و به ویژه پیامبر گرامی اسلام و جانشینان ایشان، یعنی امامان دوازده گانه شیعه الگوی عملی گرفته و از آنان تبعیت نمایند و اعمال آنها را سرمشق زندگی خود قرار دهند.

پل صراط چیست؟

«صراط» در لغت به معنای راه است، اما در اصطلاح قرآن و احادیث اسلامی، صراط به دو معنا به کار رفته است: یکی صراط دنیوی، و دیگری صراط آخرتی. صراط دنیا عبارت است از راه سعادت و رستگاری که در قرآن به نام صراط مستقیم از آن یاد شده، و در نمازها از خداوند می‌خواهیم ما را به سوی آن هدایت کند. صراط آخرت عبارت است از پلی که روی جهنم کشیده شده و آخر این پل بهشت است، و هر کس از آن به سلامت عبور کند به سعادت ابدی رسیده و در بهشت جاویدان مستقر می‌شود. و همه مردم از این پل که بر روی جهنم کشیده شده، باید عبور کنند. قرآن در این باره می‌گوید: هیچ کس از شما نیست، مگر اینکه وارد دوزخ می‌شود، این امر از طرف پروردگار تو حتمی است، سپس پرهیزکاران را نجات می‌دهیم و ستمکاران را با خواری و ذلت در آن رها می‌کنیم. (سوره مریم، آیه ۷۲) پیامبر خدا در تفسیر این آیه فرمودند: بعضی مانند برق از صراط عبور می‌کنند، و بعضی چون باد، و گروهی مانند اسب، و گروهی مانند کسی که در حال دویدن است، و بعضی مانند راه رفتن انسان، و این بستگی به اعمال هر کدام دارد.

سؤالهای درس هفتم

- ۱- نامه عمل انسان چیست؟
- ۲- ویژگیهای نامه عمل انسان چیست؟
- ۳- میزان انسان را در قیامت تعریف کنید.
- ۴- میزان انسانها در قیامت چه کسانی هستند؟
- ۵- صراط در قرآن و احادیث اسلامی به چه معنایی آمده است؟
- ۶- در تفسیر آیه ۷۲ سوره مریم، پیامبر خدا(ص) عبور انسانها را از پل صراط چگونه توصیف کردند؟

درس هشتم

نماز جماعت

امام رضا(ع) فرموده‌اند: نماز به صورت جماعت قرار داده شده، تا اینکه عبادت خداوند یکتا به طور ظاهر و علنی انجام شود؛ زیرا که انجام آشکار نماز، خود در روز قیامت دلیلی است برای خداوند بر اهل شرق و غرب عالم، و به این وسیله نمازگزاران و کسانی که به نماز اهمیت می‌دهند شناخته می‌شوند، و باعث گسترش نیکی و تقوی و جلوگیری از بسیاری از گناهان می‌شود.

«نماز جماعت، دلیل خداوند است» یعنی چه؟

یعنی اینکه خداوند در روز قیامت با نماز جماعت که آشکار و علنی برگزار می‌شود، بر کسانی که با دیدن جماعتها و عبادتهای گروهی، روی از هدایت گردانده‌اند استدلال می‌کند و آنان هیچ گونه پاسخی نخواهند داشت، و به اصطلاح، حجت و دلیل بر آنها تمام است.

در روایتی از رسول خدا آمده است: کسی که نمازهای پنجگانه خود را به جماعت می‌خواند، به او گمان خیر ببرد.

اهمیت نماز جماعت

- ۱- حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست.
- ۲- وقتی نماز جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده، دوباره آن را با جماعت بخواند.

شرایط نماز جماعت

- ۱- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.
- ۲- مأموم باید کمی از امام عقب‌تر بایستد. (مأمون به کسی گفته می‌شود که به امام اقتدا می‌کند)
- ۳- جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین نباید بالاتر باشد.
- ۴- فاصله جای ایستادن امام و محل سجده مأموم نباید بیش از گشادی بین دو قدم نباشد. این فاصله باید بین دو نفر در یک صف، و بین دو صف نیز رعایت شود.
- ۵- بین امام و مأموم و همچنین بین صفها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، اگر چه نصب پرده بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.
- ۶- امام جماعت باید بالغ و عاقل و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند.
- ۷- بعد از تکبیره الاحرام امام، اگر صف جلو آماده نماز باشد و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده می‌تواند تکبیر بگوید.

سؤالهای درس هشتم

- ١- فلسفه نماز جماعت در کلام امام رضا(ع) چیست؟
- ٢- «نماز جماعت دلیل خداوند است» یعنی چه؟
- ٣- شرایط امام جماعت چیست؟
- ٤- شرایط ایستادن امام و مأمون در نماز جماعت چیست؟
- ٥- در چه صورت، صفهای بعد از صف اول می توانند به نماز جماعت متصل باشند؟
- ٦- در چه صورت نصب پرده در بین صفهای نماز جماعت اشکال ندارد؟

درس نهم

حقّ مسلمان

بین کوفه در سرزمین عراق و مدینه در سرزمین عربستان هفته‌ها راه بود و امام صادق(ع) در مدینه زندگی می‌کرد. عبدالاعلی، از یاران امام صادق(ع)، از کوفه عازم مدینه بود. پیروان امام صادق(ع) که به امامشان دسترسی نداشتند، فرصت را غنیمت شمرده و مسائل زیادی را که نیاز داشته و نمی‌دانستند همه را نوشتند و به عبدالاعلی دادند تا در مدینه جواب آنها را از امام(ع) بگیرد، و در بازگشت از مدینه به کوفه با خود بیاورد. آنان گذشته از سؤالهای کتبی، یک سؤال شفاهی هم به عبدالاعلی گفتند تا از امام پرسد و آن، سؤال از حقوق دو برادر مسلمان بر یکدیگر بود. عبدالاعلی از کوفه خارج شد و هفته‌ها در راه بود تا به مدینه رسید. پس از ورود به مدینه در اولین فرصت به نزد امام(ع) آمد و سؤالات کتبی شیعیان کوفه را به آن حضرت تقدیم کرد و سپس سؤال شفاهی را اینچنین مطرح کرد که: حق یک مسلمان بر برادر مسلمانش چیست؟ امام(ع) شروع به پاسخ دادن سؤالات کتبی نمود و همه را پاسخ داد، اما درباره سؤال شفاهی پاسخی نداد. آن روز عبدالاعلی چیزی نگفت و از منزل بیرون رفت. اما در روزهای بعد هم که گاهی عبدالاعلی به منزل امام می‌رفت پاسخی نشنید. روزها گذشت و عبدالاعلی قصد برگشت به کوفه را داشت. اسباب و وسایل سفر را بست و برای خداحافظی نزد امام صادق(ع) آمد. با خود فکر کرد شاید امام(ع) پاسخ سؤال شفاهی مرا فراموش کرده؛ لذا مجدداً سؤال خود را مطرح کرد:

- ای پسر رسول الله سؤال آن روز من بی جواب ماند.

- من عمداً جواب ندادم.

- چرا؟

- زیرا می‌ترسم حقیقت را بگویم و شما عمل نکنید و از دین خدا خارج شوید! آنگاه امام(ع) چنین ادامه داد:

از جمله سخت‌ترین تکالیف الهی درباره بندگان سه چیز است:

یکی رعایت عدل و انصاف میان خود و دیگران، یعنی با دیگران چنان رفتار کند که دوست می‌دارد با خودش رفتار کنند. و دیگر اینکه مال خود را از برادران مسلمان دریغ ندارد و با آنها مواسات کند؛ یعنی از اموال و امکاناتش با هم‌کیشان خود به طور مساوی استفاده کنند.

سوّم یاد کردن خدا در همه حال، اما مقصودم از یاد کردن خدا این نیست که پیوسته سبحان الله و الحمد لله بگوید؛ بلکه مقصودم آن است که اگر با کار حرامی روبرو شد، یاد خدا که همواره در دلش موجود است، او را از آن کار باز دارد.

آموزش دین (٤)

امام باقر(ع) فرمود:

حق مؤمن بر برادر مؤمنش آن است که او را سیر کند، زشتیش را بپوشاند، و گرفتاریش را برطرف کند (مشکلش را حل کند)، و قرض او را پرداخت نماید، و آنگاه که مُرد، جانشین او در میان خانواده و فرزندان او باشد.

سؤالهای درس نهم

١. پرسش شفاهی عبدالاعلی از امام صادق(ع) چه بود؟
٢. چرا امام(ع) جواب سؤال شفاهی عبدالاعلی را همراه با جواب سؤالهای کتبی او نداد؟
٣. از جمله سخت‌ترین تکالیف الهی چیست؟
٤. به نظر امام صادق(ع) حقوق یک مسلمان بر برادر مسلمانش چیست؟
٥. به نظر امام صادق(ع) منظور از ذکر و یاد خدا چیست؟

درس دهم

برپائی قیامت

در روز قیامت، خداوند همه انسانهایی را که طی هزاران سال به دنیا آمده و مرده‌اند، زنده کرده و در سرزمین واحدی آنها را جمع می‌کند، تا به کارهای نیک و بد آنها رسیدگی شود سپس نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم می‌روند. در آن روز، جمعیت آن قدر زیاد است که قرآن آنها را در سورهٔ قمر، آیهٔ ۷ به جمعیت زیاد ملخها تشبیه می‌کند؛ زیرا که ملخها در حمله به مزارع و در مهاجرتها هنگامی که در آسمانها حرکت می‌کنند، مانند ابری حرکت کرده، و وقتی در ناحیه‌ای فرود می‌آیند، روی هم انباشته می‌شوند.

احوال نیکوکاران در قیامت

در روز قیامت حسابرسی برای بعضی از افراد و گروهها، یا بسیار سبک و راحت است، و یا اصلاً حسابرسی ندارند. رسول خدا(ص) فرمودند: «آن‌گاه که مردمان در سرزمینی واحد در روز قیامت جمع می‌شوند، منادی از سوی خداوند ندا می‌دهد که: کجایند **اهل صبر**؟ گروهی از مردم پاسخ مثبت می‌دهند، ملائکه به استقبال آنها می‌روند و از آنها سؤال می‌کنند: صبر شما در دنیا در برابر چه بود؟ پاسخ می‌دهند: ما بر اطاعت از خداوند و دوری از معصیت و گناه صبر کردیم. در این هنگام، ندایی از طرف خداوند می‌آید که: بندگانم راست می‌گویند، راه آنها را باز کنید تا بدون حساب وارد بهشت شوند. سپس منادی دیگری از سوی خداوند می‌پرسد: کجایند **اهل فضل**؟ گروهی از مردم پاسخ مثبت می‌دهند، جمعی از ملائکه به استقبال آنها می‌روند و از آنها می‌پرسند که: فضل و برتری شما در دنیا چه بود؟ آنان پاسخ می‌دهند: به ما بدی می‌شد و ما عفو و گذشت را پیشهٔ خود کرده بودیم، و دیگر آن که: ارزش ما را نشناخته و قدر ما را نمی‌دانستند؛ ولی ما تحمل می‌کردیم. آن‌گاه ندایی از سوی خداوند می‌رسد که راه آنها را به سوی بهشت باز کنید تا بدون حساب وارد بهشت شوند. سپس ندایی دیگر که همه آن را می‌فهمند از سوی خداوند می‌رسد و سؤال می‌کند: کجایند **همسایگان خداوند**؟ جمعی پاسخ مثبت داده و سپس گروهی از ملائکه به استقبال آنها رفته و از آنها سؤال می‌کنند که شما در دنیا چه کردید که از همسایگان خداوند به حساب آمدید؟ آنان پاسخ می‌دهند: ما یکدیگر را به خاطر خدا دوست می‌داشتیم، و در راه خدا به یکدیگر بذل و بخشش می‌کردیم، و برای رضای خدا به یکدیگر کمک می‌کردیم. در این هنگام ندایی از سوی خداوند می‌رسد که: بندگان من راست می‌گویند، راه آنها را به سوی بهشت باز کنید تا بدون حساب وارد بهشت شوند.»

چه کسانی حسابرسی ندارند؟

در حدیثی امام زین العابدین علیه‌السلام می‌فرمایند: «ای بندگان خدا! بدانید که برای اهل شرک حساب و کتاب بر پا نمی‌شود و یکسره به طور گروهی و دسته جمعی به جهنم فرستاده می‌شوند، و حساب و کتاب و

آموزش دین (۴)

نصب میزان برای کسانی از اهل اسلام است که گناهان و ثوابهایی دارند.»

از دو حدیث گذشته و از مجموع روایات اسلامی چنین برمی آید که افراد بسیار نیک و یا افراد بسیار بد حسابرسی ندارند و یکسره راهی بهشت یا دوزخ می شوند. در روز قیامت، نامه عمل نیکوکاران به دست راست آنها و نامه عمل بدکاران به دست چپ آنها داده می شود، و از این سخن، چنین برمی آید که حساب و سرنوشت بندگان خداوند، قبل از روز قیامت برای خداوند روشن است، و اگر حسابی در کار است، به خاطر آن است که انسانهای گنجهکار به سرنوشتی که خود برای خود تهیه کرده اند، آگاه شده و اعتراضی نداشته باشند و دوزخ را نتیجه اعمال خود بدانند.

کسانی که نامه عملشان به دست راست آنها داده می شود، یا حسابی نداشته و یکسره راهی بهشت می شوند، و یا حسابرسی مختصری دارند. چنان که خداوند در سوره انشقاق می فرماید: اما کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده می شود، حساب سریع و آسانی دارند.»

اساسی ترین سؤالات در قیامت

اساسی ترین سؤالات در قیامت برای کسانی که مورد سؤال واقع می شوند، از چهار چیز است: یکی از عمر انسان که آن را در چه راهی گذرانده، و دیگری از جوانی است که به ویژه از آن سؤال می شود، و سوم از اموال انسان است که چگونه به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است، و چهارمین سؤال در مورد ولایت و دوستی اهل بیت رسول خدا (ص)، یعنی امامان دوازده گانه و حضرت زهرا (س) می باشد.

در روز قیامت، فقیران مؤمن که بر فقر خود صبر کرده و ثروتمندان مؤمن که اموالشان را در راه خدا خرج کرده اند، از جمله کسانی هستند که سرگردان حساب آن روز نشده، و به سرعت راهی بهشت می شوند.

سؤالات درسی دهم

۱ - اساسی ترین سؤالات در قیامت چیست؟

۲ - به نظر امام سجاده (ع) برای چه کسانی در قیامت حسابرسی نیست؟

۳ - سه گروهی را که پیامبر فرمود بدون حساب وارد بهشت می شوند، نام برده و توصیف نمایید.

درس یازدهم

چگونه نماز را به جماعت بخوانیم؟

۱- در هر رکعت از نماز جماعت، مأموم می‌تواند در فاصله بین قرائت و رکوع به امام اقتدا کند، به شرط آنکه به رکوع امام برسد؛ اگرچه برای یک لحظه با امام در رکوع باشد، و در این صورت، یک رکعت برای مأموم حساب می‌شود.

۲- مأموم حمد و سوره را در نماز جماعت نمی‌خواند، اما سایر ذکرهای واجب نماز را باید خواند.

۳- اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد، و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند، به رکوع امام نمی‌رسد، باید صبر کند تا امام به رکوع رود و بعد اقتدا کند.

۴- اگر امام در رکعت دوم نماز چهاررکعتی باشد و مأموم به او اقتدا کند، وقتی که امام تشهد را می‌خواند، مأموم باید به صورت نیم خیز (تجافی) بنشیند و بعد با امام بلند شده و هنگامی که امام تسبیحات اربعه را می‌خواند، مأموم، حمد و سوره را آهسته بخواند، و در صورتی که احتمال بدهد که اگر سوره را بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، فقط حمد را خوانده و با امام به رکوع رود، و امام که برای رکعت چهارم بلند می‌شود، او تشهد را خوانده و برای به جا آوردن رکعت سوم بلند شود، و بعد از آنکه امام برای تشهد آخر نماز نشست، مأموم بلند شده و نماز خود را تمام کند؛ اگرچه مستحب است که مأموم به صورت نیم خیز بنشیند تا امام نمازش را سلام بدهد.

احکام جماعت

۱- مأموم باید تکبیره الاحرام را بعد از امام بگوید.

۲- مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه خواندنیهای نماز را خودش بخواند.

۳- مأموم باید همه کارهای نماز، غیر از خواندنیها، مانند رکوع و سجود را، با امام یا کمی بعد از امام انجام دهد، و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده است، ولی نمازش صحیح است.

۴- اگر امام جماعت، یکی از نمازهای یومیه را بخواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به او اقتدا کرد.

۵- نمازهای مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، به جز نماز طلب باران.

۶- مستحب است صفهای جماعت منظم باشد، و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد.

۷- اگر در صفهای جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.

۸- مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.

سؤالهای درس یازدهم

۱- در چه زمانی می‌توانیم به امام جماعت اقتدا کنیم؟

آموزش دین (٤)

٢- وظیفه نمازگزار در نماز جماعت، نسبت به خواندنیهای نماز چیست؟

٣- آیا نمازهای مستحبی را می توان به جماعت خواند؟

٤- تنها ایستادن در صفهای نماز جماعت چه حکمی دارد؟

درس دوازدهم

شجاعت در پرتو ایمان

علی(ع) او را که برده‌ای از آفریقا بود، خرید و به ابوذر غفاری، یار باوفای پیامبر بخشید. در زمان حکومت عثمان، ابوذر به بذل و بخشش‌های بی حد و حساب او از بیت المال مسلمانان اعتراض کرد و در نتیجه، به صحرای بی آب و علف ریزه تبعید شد. هنگام تبعید از مدینه به صحرای ریزه، علی(ع) و دو فرزندش، حسن و حسین و بعضی دوستان دیگرش او را بدرقه کردند. ابوذر با خانواده کوچکش و غلامش «جَوْن» به طرف ریزه حرکت کردند. «جَوْن» پس از شهادت ابوذر در ریزه، به خاطر عشق و علاقه‌ای که به اهل بیت پیامبر داشت، به نزد علی بن ابیطالب و امام حسن بازگشت، و پس از شهادت حضرت علی، در خدمت امام حسین(ع)، ایام را سپری می‌کرد. او در سال ۶۱ هجری به همراه کاروان امام حسین از مدینه به سوی مکه و از آنجا به کربلا آمد. در روز دهم ماه محرم سال ۶۱ هجری، وقتی لشکریان یزید بن معاویه، حسین بن علی(ع) و خانواده و یاران او را در سرزمین کربلا محاصره کرده و آماده جنگیدن با او و یارانش شدند، امام(ع) به جون چنین فرمودند: «ای جون! تو از سوی من اجازه داری که برگردی؛ زیرا که تو با ما آمدی تا در سلامت باشی، پس خود را به مشکلات راه ما مبتلا مکن.» جَوْن گفت: «ای پسر رسول خدا! من در زمان راحتی همواره بر سر سفره شما بوده‌ام، حال چگونه شما را در سختی رها کنم؟ من می‌دانم که بویم خوب نیست و نژادم پست و رنگم سیاه است، اما اجازه بهشت به من بدهید تا خوشبو شوم و نژادم عالی و رنگم سفید شود. نه، به خدا من از شما جدا نمی‌شوم، تا خون سیاهم با خون شما مخلوط شود.» وقتی امام حسین(ع) پافشاری جَوْن را دید، به او اجازه داد تا در راه دفاع از اهل بیت پیامبر به میدان جنگ رفته و در راه خدا شهید شود.

او به میدان نبرد آمد و دشمنان را چنین مورد خطاب قرار داد: «کَفَّار ضربه‌های انسانی سیاه پوست را در دفاع از فرزندان محمد چگونه می‌بینند؟! من با دست و زبان از آنان دفاع می‌کنم، به امید آنکه فردای قیامت وارد بهشت شوم.»

جون با لشکر عمر سعد جنگید، تعداد زیادی را کشت و سپس خودش به شهادت رسید. امام حسین(ع) بر جنازه او حاضر شد و چنین دعا کرد: «خدایا روی او را سفید و بوی او را نیکو کرده و با نیکان محشورش کن و بین او و محمد و خاندانش آشنایی بیشتر برقرار کن.»

لشکر عمر سعد در پایان روز دهم محرم سال ۶۱ هجری، پس از آنکه جنایات خود را به پایان رساندند، زنان و فرزندان اهل بیت پیامبر را به اسارت گرفته و در روز یازدهم از کربلا خارج شدند، و جنازه‌های شهدای اهل بیت و یارانشان را در میانه صحرا رها کرده و رفتند. چند روز بعد قبیله بنی اسد که از این حادثه با خبر شدند به کربلا آمدند تا جنازه‌های شهدا را به خاک بسپارند. بعد از ده روز قبیله بنی اسد پیکر جَوْن را در گوشه‌ای از

آموزش دین (۴)

صحرا در حالی یافتند که بوی مشک از بدنش تمام صحرا را معطر کرده بود.

پیامبر(ص) به اباذر فرمود:

ای اباذر: پنج چیز را قبل از پنج چیز دریاب و از آن بهره‌برداری کن:

۱ - جوانی را قبل از پیری؛ ۲ - سلامتی را قبل از بیماری؛ ۳ - بی‌نیازی را قبل از احتیاج؛ ۴ - فراغت و بیکاری

را قبل از شغل و گرفتاری؛ ۵ - زندگانی را قبل از مرگ.

سؤالهای درس دوازدهم

۱. چون که بود؟
۲. ابوذر غفاری چرا و توسط چه کسی به صحرای ریزه تبعید شد؟ و سرانجام او چه شد؟
۳. پیرامون ابوذر تحقیق کنید.
۴. پس از شهادت ابوذر در ریزه چون چه کرد؟
۵. وقتی امام حسین(ع) در کربلا آماده جنگیدن بود به چون چه گفته و او چه پاسخ داد؟
۶. سرانجام چون چه بود؟ عکس العمل امام حسین(ع) چه بود؟
۷. قبیله بنی‌اسد که برای دفن پیکرهای شهدای کربلا آمده بودند چون را چگونه یافتند؟
۸. سفارش مهم پیامبر(ص) به ابوذر را بنویسید.

درس سیزدهم

پاره‌ای از سختیهای روز قیامت

چنانکه دانستید: در روز قیامت، کفار و مشرکان و گروههایی از مؤمنان که در دنیا همیشه از خود حساب کشی می‌کرده‌اند منتظر حسابرسی قیامت نمی‌مانند، و یکسره راهی دوزخ یا بهشت می‌شوند. اما بیشتر مردم در انتظار پایان یافتن رسیدگی به اعمالشان به سر می‌برند و سختیهایی را متحمل می‌شوند که عبارتند از:

۱ - طولانی شدن روز قیامت؛ علی(ع) فرمودند: زمانی که خداوند مردم را در کنار هم جمع می‌کند، آن قدر بر قدمهای خود می‌ایستند تا آنکه عرق دهان آنها را می‌بندد و به خاطر این، از خدا درخواست می‌کنند که: ای پروردگار! به حساب ما رسیدگی کن، اگر چه سرنوشت ما آتش دوزخ باشد. قرآن و بعضی از روایات اسلامی، طول این روز را ۵۰/۰۰۰ سال بیان می‌کند.

۲ - فشار جمعیت؛ علی(ع) می‌فرماید: ... و مردم با حالت تسلیم آن قدر می‌ایستند که عرق، دهان آنها را می‌بندد، و زمین به آنها تکانهای شدید می‌دهد، و کسی حالش از بقیه نیکوتر است که به اندازه دو پایش در روی زمین جایی را پیدا کند و خود را در فراخی ببیند. و در کلامی دیگر فرمود: «در ایستگاه محشر، جمعیت آن قدر زیاد است که بر دوش یکدیگر سوار می‌شوند و در حرکت، یکدیگر را فشار می‌دهند، و هر کسی راه را بر دیگری تنگ می‌کند، به طوری که مانع از حرکت یکدیگر می‌شوند، نفسهایشان به شماره می‌افتد و عرق از سر و رویشان می‌بارد...»

۳ - احکام و قوانین جدید؛ امام رضا(ع) فرمودند: در آن روز، انسان قوانین و احکامی را می‌بیند که در دنیا آنها را ندیده. علی(ع) در نامه‌اش به مردم مصر نوشت: «ای بندگان خدا! آنچه بعد از برانگیخته شدن از قبرها وجود دارد، سخت‌تر از سختیهای قبر است. آن روز، روزی است که خردسالان پیر می‌شوند و بزرگسالان عقل خود را از دست می‌دهند.

۴ - حق الناس؛ یکی از علل عمده طولانی شدن روز قیامت، گروهی از مردم هستند که حقوقی از دیگران را تضییع کرده‌اند، و تا زمانی که حساب بندگان در میان خودشان پایان نپذیرد و تکلیفشان با خودشان روشن نشود، به سایر تکالیف آنها رسیدگی نمی‌شود. علی(ع) از قول خداوند در روز قیامت چنین فرمود: «من امروز به عدالت در بین شما قضاوت می‌کنم. امروز من حق ضعیف را از قوی می‌گیرم و هر کس زیان مالی به دیگری رسانده است، من او را با حسنات و سیئات می‌کنم و بر بخششها پاداش می‌دهم، و امروز هیچ ظالمی و یا کسی که مالی را از دیگران تلف کرده، از این مرحله عبور نمی‌کند.»

۵ - تنهایی؛ در روز قیامت اگر چه میلیاردها انسان حضور دارند، ولی ترسها و گرفتاریهای آن روز به قدری زیاد است که هیچ کس به فکر دیگری نیست و هر کس به فکر گرفتاری خود است، و بنا به کلام

آموزش دین (٤)

خداوند در قرآن، روزی است که انسان از برادرش و پدر و مادرش و دوست و فرزندان‌ش فراری است و هیچ کس فریادرس دیگری نیست.

سؤالهای درس سیزدهم

- ١- پاره‌ای از سختیهای روز قیامت را نام ببرید.
- ٢- یکی از علل طولانی شدن روز قیامت چیست؟
- ٣- در مورد حق الناس در روز قیامت چگونه عمل می‌شود؟
- ٤- خداوند در قرآن تنهایی انسان را در روز قیامت چگونه توصیف می‌کند؟

درس چهاردهم

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان نماز جمعه است. در زمان غیبت امام زمان (ع) نمازگزاران می‌توانند به جای نماز ظهر در روز جمعه، نماز جمعه بخوانند. رسول خدا (ص) فرمود: هیچ مؤمنی در نماز جمعه حاضر نمی‌شود، مگر آنکه خداوند سختیهای روز قیامت را بر او آسان می‌کند. همچنین امام باقر (ع) فرمودند: هر کس بدون عذر، نماز جمعه را در سه جمعۀ پیاپی ترک کند، خداوند بر قلب او مهر می‌زند. خداوند در سورۀ جمعه می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**؛ یعنی: ای مومنان! آن گاه که نماز جمعه اعلام شود، به سوی آن عجله کنید و کسب و تجارت را رها کنید که این روش برای شما بهتر است، اگر بدانید.

بعضی از احکام و شرایط نماز جمعه

- ۱ - تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه نیز باید رعایت شود.
- ۲ - نماز جمعه باید حتماً به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست.
- ۳ - حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر است؛ یعنی یک نفر امام و چهار نفر مأموم.
- ۴ - کسی که نماز جمعه را می‌خواند، نماز ظهر بر او واجب نیست، و دو خطبه‌ای که قبل از نماز جمعه ایراد می‌شود، به همراه دو رکعت نماز جمعه، مانند چهار رکعت نماز ظهر است؛ بنابراین، نمازگزار باید به خطبه‌ها گوش دهد.
- ۵ - نماز جمعه که به جای نماز ظهر خوانده می‌شود، دو رکعت، مانند نماز صبح است؛ اگر چه بهتر است در رکعت اول بعد از حمد، سورۀ جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد، سورۀ منافقین خوانده شود، و نیز بهتر است که در هر دو رکعت، قنوت خوانده شود. قنوت رکعت اول، قبل از رکوع، و قنوت رکعت دوم، بعد از رکوع خوانده می‌شود.
- ۶ - کسی که به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در رکعت دوم اقتدا می‌کند و بعد از امام، یک رکعت را به طور فرادا می‌خواند.
- ۷ - از جمله شرایط نماز جمعه، خواندن دو خطبه توسط امام جماعت است. این دو خطبه مانند اصل نماز واجب است، و نماز جمعه بدون دو خطبه تشکیل نمی‌شود.
- ۸ - فاصلۀ دو نماز جمعه نباید کمتر از ۳ مایل (حدود ۵ کیلومتر) باشد، و اگر دو نماز جمعه در کمتر از این فاصله و در یک زمان تشکیل شود، هر دو باطل است.
- ۹ - واجب است که امام در هر دو خطبه حمد و ثنای الهی گفته و مردم را به تقوای الهی سفارش کرده و در هر دو خطبه بر پیامبر صلوات بفرستد، و در خطبه دوم بر امامان صلوات بفرستد، و نیز سزاوار است که امام در

آموزش دین (۴)

خطبه‌هایش مصالح دینی و دنیایی مردم را بیان کرده و اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی را برای مردم بیان کند، و کیفیت ارتباطات مسلمانان با جهان غیرمسلمان را برای مردم بیان کند، و هر یک از دو خطبه را با سوره کوچکی از قرآن به پایان ببرد.

۱۰ - واجب است که دو خطبه قبل از نماز جمعه خوانده شود، و نیز واجب است که خطیب هنگام ایراد خطبه ایستاده باشد.

سؤالهای درس چهاردهم

۱. کمترین نفرات لازم برای برپایی نماز جمعه، و حداقل فاصله بین دو نماز جمعه را بیان کنید.
۲. کسی که به رکعت اول نماز جمعه نرسیده، باید چه کند؟
۳. خطیب جمعه چه شرایطی را باید داشته باشد؟
۴. خطیب جمعه چه نکاتی را واجب است که در دو خطبه‌اش رعایت کند؟
۵. چه نکاتی را سزاوار است خطیب جمعه در دو خطبه‌اش رعایت کند؟
۶. نماز جمعه چند خطبه دارد و چه زمانی باید خوانده شود؟

درس پانزدهم

تا توانی می‌گریز از یار بد

دعوت پیامبر اسلام در مکه علنی شده بود و علی‌رغم اینکه کفار قریش گروه گروه به پیامبر ایمان می‌آوردند، اما هنوز مشرکان مکه تا می‌توانستند مخالفت می‌کردند. گروهی از آنها هم بودند که در شک و تردید به سر می‌بردند. از جمله آنان مردی بود به نام «عُقَبَه»، عَقَبَه مردی سخاوتمند و بلندهمت بود و هر زمان از سفر برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد، و به این بهانه، از دوستان و بستگانش پذیرایی می‌کرد. او هر چند که جزء مشرکان بود، اما دوست می‌داشت که پیامبر اسلام را نیز به میهمانی خود دعوت کند. در یکی از سفرهایش وقتی به مکه بازگشت، سفره گسترده‌ای ترتیب داد و جمعی، و از آن جمله، پیامبر(ص) را دعوت کرد. دعوت شدگان به خانه او آمدند و بر سر سفره نشستند. غذا را آوردند و همگی مشغول شدند، اما پیامبر(ص) غذا نخورد. عَقَبَه عِلّت را پرسید. پیامبر(ص) فرمودند: «من از غذای تو نمی‌خورم، مگر اینکه به یکتایی خداوند و پیامبری من گواهی دهی.»

عقبه بر سر دوراهی قرار گرفت؛ با خود فکر کرد: اگر ایمان بیاورم، پیامبر که میهمان من است غذا نخورده از خانه‌ام می‌رود و این بسیار بد است و اگر ایمان بیاورم، پاسخ مشرکان مکه و از آن جمله، دوست صمیمی‌ام «أَبی» را چه بدهم. اما هر چه فکر کرد دید بهتر است ایمان بیاورد زیرا؛ که خود، پیامبر را به این جلسه دعوت کرده است. عقبه تصمیم گرفت به یکتایی خدا و پیامبری حضرت محمد(ص) گواهی دهد، تا میهمانش بی‌غذا، از خانه‌اش نرود. او شهادتین را بر زبان جاری کرد و اسلام را قبول نمود. خبر به گوش دوستش اَبی رسید. او فوراً نزد عَقَبَه آمد و به او اعتراض شدیدی کرد و گفت: تو از جاده حق منحرف شده‌ای. عَقَبَه گفت: من منحرف نشده‌ام، مردی بر من وارد شد و حاضر نبود از غذایم بخورد، جز اینکه به یکتایی خداوند و پیامبری او گواهی بدهم، من از این شرم داشتم که او سر سفره من بنشیند ولی غذا نخورده برخیزد. اَبی گفت: من از تو راضی نمی‌شوم، مگر اینکه در برابر محمد بایستی و به او توهین کنی. عَقَبَه که مسلمان شده بود، فریب دوست نادان خود را خورد و از اسلام خارج شد، و به این ترتیب «مرتد» گردید. بعدها که مسلمانان به مدینه هجرت کردند، عَقَبَه به عنوان یکی از افراد سپاه کفر و شرک، در جنگ بدر که بین مسلمانان و کفار مکه واقع شد شرکت کرد و در همین جنگ کشته شد. دوست ناشایست او اَبی در سال بعد از آن، در جنگ احد شرکت کرد و به دست رزم‌آوران اسلام کشته شد، و به این ترتیب، دوست بد، عَقَبَه را از آستانه بهشت بیرون کشید و او را با خود راهی جهنم کرد. آیات ۲۷، ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان در مورد این جریان نازل گردید و وضع بد عَقَبَه را در روز قیامت که در اثر همنشینی با دوست بد منحرف شده بود، چنین خبر می‌دهد:

«ای وای بر من! کاش فلان کس (اَبی) را دوست خود نمی‌گرفتم. رفاقت با او، مرا از پیروی قرآن و رسول

آموزش دین (۴)

حق محروم ساخت. آری، دوستی شیطان برای انسان، مایهٔ خواری و گمراهی است.»

امام سجاد(ع) به فرزندشان امام باقر فرمودند:

«ای فرزندم! با پنج کس همنشینی نکن، و با آنان گفتگو و رفاقت در هیچ راهی ننما. امام باقر(ع) می گوید:

پرسیدم: پدرجان! آنان کیانند؟ فرمود:

۱ - از همنشینی با دروغگو پرهیز؛ زیرا او مانند سرابی است که دور را نزدیک و نزدیک را در نظرت دور

جلوه می دهد.

۲ - از همنشینی با گنهکار پرهیز؛ زیرا که او تو را به لقمه‌ای و یا کمتر از لقمه‌ای می فروشد.

۳ - از همنشینی با بخیل پرهیز؛ زیرا که مال خود را در سخت‌ترین نیازهایت از تو دریغ می دارد.

۴ - از همنشینی با احمق (کم عقل) پرهیز؛ زیرا که می خواهد به تو سودی رساند، اما زیان می رساند.

۵ - از همنشینی با کسی که از خویشان خود می برد پرهیز؛ زیرا که من او را در سه جای قرآن ملعون یافتم.

سؤالهای درس پانزدهم

۱. پیامبر گرامی اسلام(ص) چه شرطی را برای غذا خوردن در منزل عقیبه مطرح کرد؟

۲. چرا عقیبه در ایمان آوردن به پیامبر اسلام مردّد بود؟ سرانجام چه کرد؟

۳. اُبی چه شرطی را برای ادامه دوستیش با عقیبه قرار داد؟ او چه کرد؟

۴. سرانجام عقیبه و اُبی چه شد؟

۵. در کدام آیات قرآنی ماجرای عقیبه و اُبی آمده؟ قرآن از قول عقیبه چه می گوید؟

۶. امام سجاد(ع) فرزندشان را از همنشینی با چه کسانی منع کردند؟

درس شانزدهم

پاره‌ای از امور که سختیهای قیامت را کاهش می‌دهد

در روایات اسلامی مواردی بیان شده است که هر کدام به نحوی موجب کاهش بخشی از سختیهای روز قیامت می‌شوند که اکنون به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - حسن ظن به خداوند؛ مراد از حسن ظن به خداوند آن است که انسان به خداوند گمان نیکو داشته باشد؛ زیرا که هیچ کس به اندازه خداوند تک تک انسانها را دوست نمی‌دارد. بنابراین، برخلاف انتظار انسان عمل نمی‌کند، هر چند که او فرد بدکاری بوده و به خدا اعتقاد نداشته و کفر و شرک را پیشه خود کند. خداوند، جهان را برای آسایش نوع انسان خلق کرده، و هر چه را که انسان در طول زندگانی دنیا، انسان به آن نیاز داشته، در اختیارش قرار داده است. خداوند، کمال مطلق است و هر صفت نیکی را به طور نامحدود دارا می‌باشد، و چنانچه کسی توقع و انتظار نیک و خوبی از خداوند داشته باشد، خداوند بر خلاف انتظار او عمل نمی‌کند. امام صادق (ع) فرمودند: «بنده گناه کار را در روز قیامت برای حساب می‌آورند، خداوند از او سؤال می‌کند؛ مگر تو را در دنیا امر به اطاعت و نهی از گناه نکرده بودم؟ پاسخ می‌دهد: چرا، اما خواسته‌هایم بر من چیره شد و هم اکنون اگر مرا عذاب کنی به خاطر گناه خودم است. سپس در حالی که او را به دوزخ می‌برند، خداوند از او سؤال می‌کند که از من چه توقع و انتظاری داشتی؟ پاسخ می‌دهد: بهترین توقع و انتظار را داشتم. خداوند فرمان می‌دهد که او را به سوی بهشت ببرید، و سپس به او می‌گوید: گمان نیکویت تو را فایده بخشید.»

۲ - ولایت امامان «علیهم السلام»؛ حضرت علی (ع) در تفسیر آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل که خداوند می‌فرماید: «هر کس حسنه‌ای انجام دهد، پاداشی بهتر از آن دارد و آنها از سختی روز قیامت در امانند و کسی که سیئه‌ای انجام دهد، با رو در آتش جهنم می‌افتد»، فرمودند: مراد از «حسنة» در این آیه، ولایت و دوستی ما اهل بیت و مراد از «سیئه» دشمنی اهل بیت می‌باشد.

۳ - نیت‌های خیر انسانها؛ تمام کارهای نیکی که انسان در دنیا قصد انجام آنها را داشته و بنا به دلیلی نتوانسته است آنها را انجام دهد، همگی مانند اعمالی که انجام شده، در قیامت به فریاد صاحبش می‌رسد.

۴ - مواسات با برادران دینی؛ مواسات یعنی اینکه آنچه از امکانات مادی در اختیار انسان است، با برادر دینی نیازمندش نصف کند تا هر دو از آن بهره مند شوند.

۵ - روزه‌های ماه رجب؛ روزه‌های ماه رجب از یک روز تا سی روز، هر کدام به نحوی، مشکلی از مشکلات روز قیامت را مرتفع می‌کنند. شما می‌توانید برای آشنا شدن با برتریهای ماه رجب، به کتاب مفاتیح الجنان تألیف مرحوم شیخ عباس قمی مراجعه نمایید.

۶ - احترام به سالمندان؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که به سالمندان مسلمان احترام بگذارد، خداوند او را از ترسهای روز قیامت در امان می‌دارد.

آموزش دین (۴)

۷- دوری از گناه؛ پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که زمینه گناهی برای او فراهم شود و به خاطر خدا از آن گناه دوری کند، خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می کند، و او را از هراس روز قیامت ننگه می دارد.

۸ - سوار کردن پیاده؛ امام سجاد(ع) فرمودند: کسی که برادر خود را سوار بر مرکب خویش کند، خداوند او را در روز قیامت با شتر بهشتی به ایستگاه قیامت آورده و او بر ملائکه فخر می ورزد.

۹ - اخلاق نیکو؛ پیامبر خدا(ص) فرمودند: در روز قیامت هیچ عملی مانند اخلاق نیکو نامه عمل انسان را سنگین نمی کند.

۱۰ - رفت و آمد به مسجد در تاریکیها؛ پیامبر خدا(ص) فرمودند: «بشارت باد کسانی را که در تاریکیها (صبح و شب) به مسجد می روند، به نوری تابنده در روز قیامت». قابل ذکر است که در روز قیامت همه اجرام نور افروز دنیا، مانند خورشید و ستارگان، از همدیگر پاشیده اند و نوری از این کرات وجود ندارد و نور، در روز قیامت، همان نوری است که انسانها در اثر اعمال نیک خود، با خود از این دنیا برده اند.

۱۱ - زیارت قبر مومن؛ پیامبر خدا(ص) فرمودند: کسی که بر سر قبر برادر مومنش حاضر شود و دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند، از هراس روز قیامت در امان خواهد بود.

۱۲ - صلۀ رحم؛ صلۀ رحم یعنی دیدار از خویشاوندان. امام صادق(ع) فرمودند: صلۀ رحم، موجب راحتی حساب در روز قیامت می شود.

سؤالهای درس شانزدهم

- ۱ - چرا انسان باید به خداوند گمان نیکو داشته باشد؟
- ۲ - مواسات با برادران دینی یعنی چه؟
- ۳ - رفت و آمد به مسجد در تاریکیها یعنی چه؟
- ۴ - چهار مورد از اموری که موجب کاهش سختیهای قیامت می شود را نام ببرید.
- ۵ - چرا حسن ظن به خداوند، موجب کاهش سختیهای روز قیامت می شود؟
- ۶ - مراد از حَسَن و سَيِّئَه در آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل چیست؟

درس هفدهم

نماز آیات

نماز آیات که دستور آن بعداً گفته می‌شود، به خاطر چهار پدیده واجب می‌شود:

۱- گرفتن خورشید؛

۲- گرفتن ماه؛

۳- زلزله، اگر چه کسی هم از آن نترسد؛

۴- رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ، در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

وقت نماز آیات

۱- از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان باید نماز آیات را بخواند، و اگر بعد از باز شدن تمام آن نماز را بخواند، باید نیت قضا کند.

۲- موقعی که زلزله و رعد و برق اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند، و گرنه معصیت کرده است.

دستور نماز آیات

۱- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد، و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و سوره‌ای از قرآن را بخواند و به رکوع رود، سپس سر از رکوع برداشته، دوباره یک حمد و سوره‌ای از قرآن بخواند و به رکوع دوم رود، و این کار را تا رکوع پنجم ادامه داده و سپس دو سجده را انجام داده و رکعت دوم را مانند رکعت اول به جا آورده و تشهد را خوانده و سلام دهد.

۲- روش دیگر نماز آیات این است که انسان بعد از خواندن حمد، آیه‌های سوره‌ای از قرآن را به پنج قسمت تقسیم کرده، و هر قسمت را قبل از رفتن به رکوع در هر رکعت بخواند. در این روش، در هر رکعت فقط یک مرتبه سوره حمد، قبل از اولین رکوع خوانده می‌شود.

سؤالهای درس هفدهم

۱- نماز آیات در چه اوقاتی واجب می‌شود؟

۲- نماز آیات در چه وقت ادا و در چه وقت قضاست؟

۳- یک روش خواندن نماز آیات را توضیح دهید.

درس هیجدهم

ناگهان خاموش شد

خاطرات پیشرفت اسلام پس از هجرت، برای همه جالب و شنیدنی بود. جمعی از یاران پیامبر در «مسجد النبی» گرد هم آمده بودند و از جنگ بدر و صلح حدیبیه و شرکت کنندگان در بیعت رضوان سخن می‌گفتند. «ابودرداء» که از جمع انصار و اهل مدینه بود گفت: آیا می‌خواهید شما را از کسی خبر دهم که ثروت زیادی ندارد، اما تلاش و کوشش او در عبادت از همه بیشتر است؟ پرسیدند: او کیست؟ گفت: او علی بن ابیطالب است.

بیشتر کسانی که در آن مجلس بودند چهره در هم کشیدند و از ابودرداء روی گردانیدند. زیرا که علی (ع) اگر چه بیش از سی سال از عمرش نمی‌گذشت، اما افتخارات بزرگی را در دفاع از اسلام به دست آورده بود، و گوی سبقت را از همه ربوده بود. بنابراین، بسیاری از شیوخ و بزرگان قوم، به خاطر حسادت و یا نادانی، حاضر به اعتراف به فضائلش نبودند.

یکی از انصار مدینه به ابودرداء گفت: ابودرداء! سخنی گفتی که کسی در آن با تو موافق نبود.

ابودرداء گفت: من آنچه را دیده‌ام می‌گویم و شما هم هر چه دیده‌اید بگویید!

در پایان شبی، علی بن ابیطالب را در منطقه باغات قبیله بنی النجار دیدم که از دوستان و همراهانش دوری گزید و در پشت شاخ و برگهای درختان خرما ناپدید شد. فاصله‌اش از من زیاد شد و دیگر او را ندیدم. با خود گفتم: حتماً به منزلش رفته. اما طولی نکشید که صدایی غمناک و نغمه‌ای جانسوز به گوشم رسید که گفت: «خدایا چه بسیار عمل ناشایست که از آنها چشم پوشیدی و چه جنایات بزرگی که آنها را برملا نمودی. پروردگارا! اگر عمر من در نافرمانی تو به درازا می‌کشد و گناهم زیاد می‌شود، من غیر از غفران و آمرزش تو آرزویی ندارم، و به غیر از بهشت تو امید ندارم.»

صدای ناله و مناجات مرا به خود مشغول کرد. دنبال آن به راه افتادم، ناگهان دیدم علی بن ابیطالب است. خود را پنهان کردم و بی حرکت ماندم و حرکاتش را زیر نظر گرفتم. رکعاتی نماز خواند و چون نمازش به پایان رسید، شروع به دعا و گریه و مناجات کرد، و در مناجاتش چنین می‌گفت:

«خدای من چون در بخششت اندیشه کنم، خطایم آسان شود، و چون عذاب بزرگ تو را یاد کنم، مصیبتم بزرگ می‌شود. وای، اگر فردای قیامت در نامه عملم لغزشی را بینم که آن را فراموش کرده‌ام و تو آن را ثبت نموده‌ای. ای وای بر آن مصیبت زده‌ای که خانواده‌اش او را نجات نداده و قبیله‌اش برای او فایده‌ای ندارد. آه از آتشی که جگرها را می‌پزد. آه از آتشی که پوست صورت و دستها را می‌کند.»

اینجا گریه‌اش شدیدتر شد و ناگهان خاموش شد. با خود گفتم: حتماً خواب بر او غلبه کرده، او را برای نماز

آموزش دین (٤)

صبح بیدار کنم. نزدیک او رفتم، او را مانند چوب خشکی یافتم. تکانش دادم، حرکت نکرد. گفتم «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، علی از دنیا رفت.

برای رساندن خبر مرگ علی به خانه زهرا رفتم و داستان را نقل کردم. حضرت فرمود: ابودرداء! این حالتی است که از خشیت الهی در وی پدیدار می شود. زهرا با من آمد و بر روی علی آب پاشید. حضرت چشم باز کرد و به من نگریست، در حالی که می گریستم. فرمود: ابودرداء! چرا گریه می کنی؟! گفتم به خاطر رفتاری که شما با خود دارید. فرمود: «ابودرداء! پس چگونه خواهی بود اگر مرا ببینی که به سوی حسابم برند و ملائکه عذاب و شعله های سهمگین آتش مرا در میان گرفته اند و در پیشگاه خدای جبار ایستاده ام و دوستانم مرا تسلیم کرده اند، حتماً در آن حال، بیشتر بر من ترحم خواهی کرد.»

ابودرداء گفت: «قسم به خدا، کسی از اصحاب رسول خدا را چنین نیافتم.»

امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا؛ آن کس که خدا را شناخت از او

می ترسد، و آن کس که از او بترسد بر سر دنیا نزاع نمی کند.

تذکره: منظور از ترس از خدا، ترس از عذاب خداوند به واسطه گناهان است، و گرنه رحم و مهربانی

خداوند نسبت به بندگانش بی حساب است.

سؤالهای درس هیجدهم

۱. چرا بیشتر یاران پیامبر که در مسجدالنبی گردهم آمده بودند، از معرفی علی (ع) به عنوان فرد برتر چهره درهم کشیده و ناراحت شدند؟
۲. خلاصه آنچه را که ابودرداء از یک مناجات علی (ع) دیده بود، بنویسید.
۳. علی (ع) به ابودرداء که برای او گریه می کرد چه فرمود؟
۴. منظور از ترس خداوند چیست؟
۵. امام صادق (ع) پیرامون ترس از خدا چه فرمود؟ ترجمه روایت را بنویسید.

درس نوزدهم

نبوت یا پیامبری

آیا کسی را پیدا می‌کنید که با جرأت بگوید: «من از رموز ساختمان وجود انسان با خبرم»؟ آیا کسی را می‌شناسید که بگوید: «من روح انسان را شناختم»؟ راستی چرا قوانین در جوامع انسانی با هم متفاوتند؟ مگر غیر از این است که همه انسانها می‌خواهند راه کمال خویش را بیمایند؟ آیا در میان حیوانات نیز چنین است؟ آیا زنبورهای عسل در این طرف دنیا، از قوانینی غیر از قوانین زنبورهای عسل در طرف دیگر دنیا تبعیت می‌کنند؟ امام رضا(ع) فرمودند: «چون در متن آفرینش انسان و در میان غرایز و نیروهای مختلفی که در وجود او نهفته است، نیرویی نیست که بتواند مسئولیت تکامل انسان را به عهده بگیرد، بنابراین: چاره‌ای جز این نیست که خداوند پیامبری داشته باشد تا پیام او را به مردم ابلاغ کند و آنها را به آنچه موجب رسیدن به منافعشان و دوری از ضررهایشان است، آگاه سازد.»

آری، همه انسانها باید برای رسیدن به تکامل در برابر فرمانهای خداوند تسلیم بوده و دین همگی، اسلام باشد.

اینک پس از توجه به این مقدمه، با علل دیگر نیاز انسانها به وجود پیامبران آشنا می‌شویم.

چرا به وجود پیامبر نیازمندیم؟

۱ - هدفدار بودن خلقت: چون خداوند دارای علم و قدرت و حکمت بی‌نهایت است، ممکن نیست که کاری را عبث و بیهوده انجام دهد، و چون خلقت جهان و انسان بدون هدف نیست، انسان باید همواره خود را با هدف خلقت همسو نماید، و چون بشر موجودی است مادی و محدود، نمی‌تواند با خالق و خدای خود ارتباط نزدیک داشته باشد، پس لازم است خداوند واسطه‌هایی را بین خود و مردم داشته باشد، تا پیام و دستورات او را به مردم برسانند، و مردم بتوانند در جهت هدفهای خداوند از خلقت جهان و انسان، برنامه‌های خود را تنظیم و به آنها عمل نمایند.

۲ - نیاز به بهترین برنامه تکامل: هر انسانی همواره دوست می‌دارد که از هر چه برایش ضرر دارد بپرهیزد و به هر چه برایش مفید است عمل کند. اما از آنجا که پس از گذشت هزاران سال، انسان هنوز موجودی است ناشناخته، نمی‌تواند همه ضررها و منافع خویش را تشخیص دهد. بنابراین، کسی که انسان را آفریده، باید بهترین برنامه تکامل را به واسطه پیامبران برای او بفرستد.

۳ - عمل به خواسته‌های خداوند: خداوند دانا و توانا که نعمتهای بیکرانی را بما داده است، از کارهایی خشنود و از کارهایی ناراضی می‌شود و در برابر کار انسانها بی‌تفاوت نیست. بنابراین: عقل ما حکم می‌کند که برای شکر نعمتهای بی‌کران او لازم است بدانیم که چه کارهایی موجب رضایت او و چه کارهایی موجب غضب او می‌شود، تا مطابق خواسته او عمل کنیم. از این رو، لازم است که برای دانستن خواسته‌های

آموزش دین (۴)

خداوند از انسانها، پیامبرانی از سوی او به سوی بشر مبعوث شوند.

۴ - نیاز به قانون در جامعه انسانی؛ شکی نیست که بشر موجودی است اجتماعی و انسانها باید همواره با هم همکاری کنند تا نیازهایشان برطرف شود. این همکاری و زندگی اجتماعی، نیاز به قوانینی دارد تا هر کس بتواند بدون تجاوز به حقوق دیگران به زندگی خود ادامه دهد، و چون خداوند بهترین قانونگذار است، بنابراین، باید قوانین خود را به واسطه پیامبران برای مردم بفرستد.

۵ - اتمام حجت بر انسانها؛ اگر خداوند پیامبرانی را برای هدایت بشر نفرستد، در سرای دیگر نمی تواند آنان را در برابر کارهای ناشایست مؤاخذه کند؛ زیرا که انسانها به خدا می گویند: چون تو ما را در دنیا راهنمایی نکردی، ما هم حق را از باطل تشخیص ندادیم، اما پس از فرستادن پیامبران دیگر چنین بهانه ای وجود ندارد.

سؤالات درس نوزدهم

- ۱ - علل نیاز به وجود پیامبران را نام ببرید.
- ۲ - هر یک از موارد فوق را جداگانه توضیح دهید.
- ۳ - علت نیاز به پیامبر را از کلام امام رضا(ع) بنویسید.

درس بیستم

روزه

روزه از عبادات بسیار مهم اسلامی است. یعنی اینکه انسان تصمیم بگیرد از اذان صبح تا مغرب، برای اطاعت از فرمان خداوند عالم از همه کارهایی که روزه را باطل می‌کند، پرهیز نماید. تصمیم فوق را نیت روزه می‌گویند. روزه ماه مبارک رمضان بر همه افراد مکلف واجب است امام صادق (ع) فرمودند: کسی که یک روز از روزه ماه رمضان را نگیرد، روح ایمان از او بیرون می‌رود.

برخی از احکام روزه عبارت است از:

- ۱- انسان از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح، هر وقت نیت روزه فردا را بکند اشکال ندارد.
- ۲- اگر کسی در ماه مبارک رمضان به واسطه عذری مانند سفر یا فراموشی نیت روزه نکرد و تا پیش از ظهر متوجه شد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است.
- ۳- اگر کسی پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، باید روزه آن روز را بگیرد، اما اگر بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.
- ۴- اگر روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی روزه بگیرد، و در بین روز معلوم شود که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

مبطلات روزه

برخی از مبطلات روزه عبارتند از:

- ۱- خوردن و آشامیدن؛
- ۲- دروغ بستن به خدا و پیغمبر و امامان؛
- ۳- رساندن غبار غلیظ به حلق؛
- ۴- فرو بردن تمام سر به زیر آب؛
- ۵- قی کردن؛
- ۶- جماع، یعنی جمع شدن زن و مرد با یکدیگر؛
- ۷- استمناء، یعنی اینکه انسان با خود کاری کند که از او منی بیرون آید؛
- ۸- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح به طور عمد؛
- ۹- اماله کردن با چیزهای روان، یعنی فرستادن چیزهای روان از راه مقعد به داخل بدن.

سؤالات درس بیستم

- ۱- نیت روزه را تعریف کنید.
- ۲- وقت نیت روزه ماه مبارک رمضان چه زمانی است؟
- ۳- اگر انسان شک دارد که آخر ماه شعبان است یا اول رمضان، وظیفه اش چیست؟
- ۴- ۵ مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.

درس بیست و یکم

نگهدارم اوست

سال دوم هجری سپری شده بود و مسلمانان، جنگ بدر را با موفقیت پشت سر گذاشته بودند و غنائم نسبتاً خوبی را به دست آورده بودند. به پیامبر(ص) خبر رسید که گروهی از قبیله غطفان که از قبائل کفار مدینه بودند، جمع شده و می‌خواهند با فرماندهی دُعُثُور به اطراف مدینه حمله کنند و دست به غارت و چپاول بزنند. پیامبر(ص) پس از شنیدن این خبر، اعلان جنگ نمود. مهاجران و انصار آماده نبرد شدند. تعداد آنها به ۴۵۰ مرد جنگی می‌رسید که با تعداد قابل توجهی اسب به سوی منطقه دشمن حرکت کردند، و در محلی به نام «ذا امر» در کنار وادی، اردوگاه زدند. دشمن پس از مشاهده لشکر اسلام به کوههای اطراف فرار کرد و از ارتفاعات نظاره‌گر آنان بود. در یکی از روزهایی که لشکر اسلام در انتظار درگیری با دشمن بود، باران شدیدی گرفت، به اندازه‌ای که از لباسهای سربازان اسلام آب جاری شد. پیامبر هم که برای قضای حاجتش از مردم کمی دور شده بود و به طرف دیگر وادی رفته بود، نیز لباسهای خیس شد، او لباسهایش را از تن بیرون آورد و آنها را فشرد و روی شاخه درختی انداخت تا خشک شود و خود به استراحت پرداخت. افراد قبیله غطفان از ارتفاعات نظاره‌گر همه حرکات پیامبر بودند. همین که پیامبر در زیر درخت دراز کشید، افراد قبیله به فرمانده خود دُعُثُور که شجاع‌ترین آنها نیز بود، گفتند: «محمد هم اکنون در اختیار تو است؛ زیرا از اصحاب و دوستان خود جدا شده، به گونه‌ای که حتی اگر از آنان کمک هم بخواهد، تا به فریاد او برسند، تو او را کشته‌ای. دُعُثُور در این نقشه فکر کرد و خیانت ترور را کاملاً عملی دانست. وی از میان شمشیرهای لشکرش تیزترین شمشیر را انتخاب کرد و به تنهایی، خود را به طور مخفیانه از ارتفاعات به پیامبر رسانید، شمشیر خود را کشید و بالای سر پیامبر ایستاد و گفت: ای محمد! امروز کیست که مرا از تو باز دارد و تو را از دست من نجات دهد؟ پیامبر با خودنسرودی فرمود: خدا. در این لحظه جبرئیل به سینه آن شخص کوبید، به طوری که زمین خورد و شمشیر از دستش افتاد. پیامبر فوراً شمشیر را برداشت و بالای سر او ایستاد و از او پرسید: حالا چه کسی به فریادت می‌رسد؟! دُعُثُور پاسخ داد: هیچ کس، و من شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست؛ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، و از این به بعد هیچ وقت لشکری را علیه تو جمع نخواهم کرد. او شمشیرش را از پیامبر گرفت و به سوی قوم خود برگشت.

چند قدمی بیشتر نرفته بود که رو برگرداند و به پیامبر گفت: قسم به خدا! تو بهتر از منی. پیامبر فرمود: باید چنین باشد. دُعُثُور به سوی قوم خود رفت. کسی از او پرسید: محمد در اختیارت و شمشیر در دستت بود، پس چه کردی؟! پاسخ داد: آری چنین بود، اما آنگاه که در بالای سرش ایستادم، مردی سفید پوش و بلند قامت چنان به سینه‌ام کوبید که با پشت به زمین خوردم و یقین کردم که او فرشته است. دُعُثُور پس از بیان حادثه، از آنان

آموزش دین (٤)

خواست که به پیامبر اسلام ایمان بیاورند. خداوند پس از این داستان، آیه ١١سوره مائده را فرو فرستاد. معنی آیه چنین است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشیده یاد کنید؛ آن گاه که جمعی قصد داشتند دستشان را به سوی شما دراز کنند، اما خدا دست آنها را از شما بازداشت.»

علی(ع) در دعای کامل فرمود:

«پروردگارا! چه بسیار زشتیها که پوشانیدی، و چه بسیار بلاهای بزرگ را که مانع شدی، و چه بسیار لغزشها که از آن بازداشتی، و چه بسیار ناملایمات که دور ساختی، و چه بسیار ستایشهای زیبا که شایستگی آن را نداشتم و تو آن را پراکنده ساختی ...»

«خدایا! به حق خودت و به حق بزرگ‌ترین صفاتت، از تو می‌خواهم که تمام روز و شبم را با یاد خویش آباد، کنی و همواره مرا در خدمت خویش نگهداری.»

سؤالهای درس بیست و یکم

١. پس از جنگ بدر، کدامیک از قبایل کفار اطراف مدینه قصد حمله به اطراف مدینه و غارت اموال را داشتند؟ پیامبر چه کرد؟
٢. لشکر اسلام برای سرکوبی قبیله غطفان در کجا مستقر شد، و لشکر دشمن چه نقشه‌ای برای پیامبر کشید؟
٣. دُعثور برای اجرای نقشه ترور چه کرد و با چه مشکلی مواجه شد؟
٤. از این ماجرای تاریخی چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

درس بیست و دوم

عصمت پیامبران

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انبیا، معصوم بودن آنهاست. عصمت در لغت، به معنای بازداشتن و جلوگیری از ناملایمات است، و در مباحث عقیدتی، عصمت انبیا و امامان یعنی مصون بودن و محفوظ بودن آنها از گناه و خطا و اشتباه؛ به گونه‌ای که حتی فکر گناه هم از آنها سر نمی‌زند.

پیامبران باید معصوم باشند زیرا:

۱- با توجه به اینکه هدف از بعثت انبیا، تربیت و راهنمایی انسانهاست، و در تربیت کردن، عمل مربی و معلم انسان، بیش از گفتار او مؤثر است؛ بنابراین، مربی باید خودش گرفتار گناه و آلودگی نشود، تا کلامش و هدایتش در دل دیگران مؤثر باشد. بنابراین، انبیا که معلم و مربی انسانها هستند، باید معصوم باشند.

۲- از آنجا که پیامبران مریبان واقعی بشر هستند، باید خود هیچ‌گونه خطا یا گناهی مرتکب نشوند، تا مردم به آنها اعتماد کنند، الا بهانه جویان به بهانه اینکه پیامبران اشتباه می‌کنند، و حقیقت طلبان به خاطر تزلزل نسبت به آنچه انبیا می‌گویند، از پذیرفتن دعوتشان خودداری خواهند کرد.

انواع عصمت

اگر به زندگی روزمره خود توجه کنیم، می‌بینیم همه انسانها در برابر بعضی از گناهان معصومند، و گروه‌های خاصی از مردم در برابر بعضی از گناهان معصومند، و پیامبران در برابر همه گناهان معصومند. برای روشن شدن مطلب فوق به مثالهای زیر توجه کنید:

آیا هیچ انسان عاقلی را پیدا می‌کنید که به فکر خوردن آتش بیفتد؟ آیا شما تاکنون هیچ وقت چنین تصمیمی را گرفته‌اید؟! آیا هیچ انسان عاقلی تصمیم می‌گیرد که با خوردن کتافات خود را سیر کند؟! حتماً جواب منفی است؛ مگر آنکه کسی دیوانه باشد و عقل خود را از دست داده باشد. پس همان طور که می‌بینید، پاره‌ای از گناهان وجود دارد که همه افراد بشر، اهل هر نژاد و منطقه‌ای باشند، در برابر آن معصوم هستند. حال به مثالی دیگر توجه کنید. فرض کنید که شما یک پزشک آگاه و ماهر هستید و بارها میکروبیایی را که با چشم دیده نمی‌شود زیر میکروسکوپ دیده‌اید، و آبهای آلوده‌ای را که از شستن لباسها باقی می‌ماند دیده‌اید. آیا شما به عنوان یک پزشک، هرگز امکان دارد که از این آب برای رفع تشنگی خود بنوشید؟! هرگز؛ زیرا که شما به وجود میکروبیهای ریزی که در آب آلوده وجود دارد و با چشم معمولی دیده نمی‌شود یقین دارید. اما امکان دارد کسی که آبهای آلوده و خطر ابتلا به بیماریهای گوناگون را نمی‌شناسد، در برابر آن بی تفاوت بوده و آن آب را به راحتی بیاشامد. پس به این نتیجه می‌رسیم که هر قدر سطح آگاهی و معلومات انسان بالاتر رود، مصونیت بیشتری نسبت به اعمال ناشایست پیدا می‌کند. این نوع عصمت را که عصمت دانشمندان می‌نامیم، از عصمت افراد عادی در برابر بعضی از اعمال ناشایست، بسیار بالاتر و والاتر است.

آموزش دین (۴)

حالا اگر افرادی مانند انبیا به زیانهای گناه یقین پیدا کردند، و مثلاً باور کردند که نتیجه خوردن مال یتیم در فردای قیامت، درست همانند خوردن آتش در دنیاست، هرگز نه تنها چنین گناهی را انجام نمی دهند؛ بلکه فکر آن هم از ذهنشان نمی گذرد.

از مجموع آنچه خواندیم درمی یابیم که پیامبران به خاطر علم و ایمان فوق العاده ای که دارند، عوامل گناه هرگز نمی تواند بر عقل و ایمان آنها غالب شده و آنها را به گناه وادار کند، و در نتیجه، پیامبران در برابر گناه و فکر آن معصومند. پس به این نتیجه می رسیم که سه نوع عصمت داریم:

۱- عصمت افراد عادی؛ ۲- عصمت دانشمندان؛ ۳- عصمت انبیا.

از آنچه گفته شد نتیجه می گیریم که همه پیامبران از آن جمله پیامبر گرامی اسلام معصوم هستند.

سؤالهای درس بیست و دوم

۱- معنای عصمت را در لغت و در مباحث عقیدتی بیان کنید.

۲- اگر پیامبران معصوم نبودند چه می شد؟

۳- معصوم بودن چند شاخه دارد؟ بیان کنید.

۴- هر یک از مراتب عصمت را توضیح دهید.

۵- منشأ عصمت انبیا و امامان چیست؟

درس بیست و سوم

احکام برخی از مبطلات روزه

- ۱- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود؛ چه خوردن آن چیز معمول باشد، مانند آب و نان، و چه معمول نباشد، مانند خاک.
- ۲- هنگامی که انسان مشغول غذا خوردن است، اگر بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و اگر عمداً آن را فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- ۳- فرو بردن اخلاط سینه تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد.
- ۴- اگر روزه‌دار با گفتن یا نوشتن یا اشاره و مانند اینها، به خدا و پیامبر و جانشینان آن حضرت و حضرت زهرا (ع) عمداً نسبت دروغ دهد، روزه او باطل است؛ اگر چه فوراً بگوید: دروغ گفتم، یا توبه کند.
- ۵- اگر تمام بدن انسان را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه انسان باطل نمی‌شود.
- ۶- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر خود را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد. بنابراین، روزه‌دار نمی‌تواند غسل ارتماسی بکند.
- ۷- اگر روزه‌دار برای آنکه کسی را از غرق شدن نجات دهد، سر را در آب فرو برد، اگر چه نجات دادن او واجب باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- ۸- هر گاه روزه‌دار عمداً قی کند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ ولی اگر سهواً قی کند، اشکال ندارد.
- ۹- اگر انسان عمداً و از روی اختیار، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، روزه او باطل می‌شود، و چنانچه از روی عمد نباشد، اشکال ندارد.

سؤالهای درس بیست و سوم

- ۱- فرو بردن اخلاط سینه در چه صورت مبطل روزه است؟
- ۲- اگر کسی به خدا و یا پیامبر دروغ ببندد، و فوراً بگوید: دروغ گفتم، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
- ۳- آیا روزه‌دار می‌تواند غسل ارتماسی بکند؟ چرا؟
- ۴- اگر شناگر روزه‌دار، بدون توجه به اینکه روزه است در آب شنا کند، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

درس بیست و چهارم

ساده می پوشید

۱ - لباسش کهنه شده بود. برای بعضی خوشایند نبود که پیامبرشان با این پوشش در میان مردم ظاهر شود. یکی از یاران نزد ایشان آمد و ۱۲ درهم به پیامبر داد و گفت: یا رسول الله! با این مبلغ برای خود پیراهنی بخرید. پیامبر رو به علی کرد و گفت: «علی! این درهمها را بگیر و برای من لباسی بخر تا بیوشم».

علی می گوید: به بازار آمدم و لباسی را به دوازده درهم خریدم و آن را نزد پیامبر بردم، او نگاهی به لباس کرد و فرمود: علی! اگر لباس دیگری باشد بیشتر دوست می دارم، بین آیا صاحبش آن را پس می گیرد؟ گفتم: نمی دانم که جنسش را پس می گیرد یا خیر، اجازه بدهید تا برگردم و ببینم چه می شود.

به بازار برگشتم و به صاحب مغازه گفتم: این لباس را برای پیامبر گرفته بودم و او از این لباس خوشش نمی آید و می خواهد لباس دیگری بخرد. صاحب مغازه لباس را گرفت و ۱۲ درهم را به من داد. من پیراهن دیگری نخریدم و برگشتم، و همه درهمها را به پیامبر دادم تا خودش هر گونه که میل دارد خرید کند. او بلافاصله با من به بازار آمد تا پیراهنی بخرد. در راه، کنیزکی را دید که کنار کوچه نشسته و گریه می کند. پیامبر از او پرسید: چه مشکلی داری که گریه می کنی؟ او پاسخ داد: خانواده‌ای به من ۴ درهم داده بودند که احتیاجاتشان را خرید کنم، اما پولم را گم کردم و حالا جرأت بازگشت به خانه را ندارم. پیامبر(ص) چهار درهم از پولها را به او داد و گفت: به خانه‌ات برگرد، و خود راهش را به سوی بازار پیش گرفت. در بازار پیراهنی را به قیمت چهار درهم خرید و آن را پوشید و گفت: «الحمدلله» و از مغازه خارج شد. در مسیر بازگشت، مردی را دید که لباسی ندارد. او هم تا پیامبر را دید که لباسی نو پوشیده، زرنگی کرد و گفت: چه کسی مرا می پوشاند تا خداوند از لباسهای بهشتی به او پوشاند؟ پیامبر لباس جدید را که روی لباسهایش پوشیده بود از تن بیرون آورد و به مرد داد و مرد آن را پوشید. پیامبر دوباره به بازار برگشت و با چهار درهم باقی مانده پیراهن دیگری خرید و آن را پوشید و گفت: «الحمدلله» و به سوی منزلش بازگشت. در راه بازگشت، همان دخترک کنیز را دید که هنوز در جای خود نشسته و به خانه برنگشته. از او علت را جویا شد. او گفت: یا رسول الله! در بازگشتم تأخیر کرده‌ام و می ترسم که مرا کتک بزنند. پیامبر فرمود: راه بیفت و مرا به خانه‌ات راهنمایی کن. کنیزک به راه افتاد و پیامبر را راهنمایی کرد. پیامبر به خانه آنها رسید و جلو در ایستاد و گفت: سلام علیکم ای اهل خانه. پاسخی به او ندادند. دومین بار سلام کرد، باز پاسخی به او ندادند، برای سومین بار سلام کرد، پاسخ دادند: «علیک السلام یا رسول الله و رحمة الله وبرکاته». زن و شوهر به استقبال پیامبر آمدند. پیامبر(ص) از آنان پرسید: چرا در دفعه اول و دوم جواب سلام مرا ندادید؟ گفتند: ما دوست می داشتیم که صدای زیبای شما را بیشتر بشنویم. پیامبر فرمود: این کنیزک مقداری دیر به منزل بازگشته، با او کاری نداشته

آموزش دین (۴)

باشید. مرد پاسخ داد: ای رسول خدا! به برکت قدمهای شما این کنیز را در راه خدا آزاد کردیم. پیامبر فرمود: سپاس می‌گویم خدا را که هیچ دوازده درهمی را از این دوازده درهم با برکت تر ندیدم؛ دو نفر را پوشانید و بنده‌ای را در راه خدا آزاد کرد.

۲_ جمعی از مسیحیان نجران برای بررسی دین اسلام نزد پیامبر(ص) آمدند. آنان لباسهای زیبا و بلند ابریشمی پوشیده بودند و انگشتری‌های گرانبیامت در دست داشتند. موقع ورود به حضرت سلام کردند؛ ولی پیامبر به آنها جواب نداد و از آنان روی گردانید و با آنان سخن نگفت. آنان سخت ناراحت شدند و جریان را با علی در میان گذاشتند. علی گفت: «فکر می‌کنم لباسهای پر زرق و برق شما باعث شده پیامبر با شما این گونه برخورد کند.» آنان لباس ساده پوشیدند و انگشتری‌ها را از دستشان خارج کردند و به حضور پیامبر رسیدند و سلام کردند. این بار پیامبر جواب آنها را داد و با خوشرویی با آنان سخن گفت، و سپس فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق فرستاد، نخستین بار که اینها نزد من آمدند، دیدم شیطان همراه آنهاست.»

سؤالهای درس بیست و چهارم

۱. به نظر شما چرا پیامبر پیراهن دوازده درهمی را پوشید؟
۲. چرا پیامبر فرمود: سپاس خدایی که هیچ دوازده درهمی را با برکت تر از این دوازده درهم ندیدم؟
۳. چرا پیامبر جمعی از مسیحیان نجران را که برای بررسی اسلام به مدینه آمده بودند، به حضور پذیرفت؟

درس بیست و پنجم

قرآن بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام

معجزه چیست؟ معجزه کاری است که انسانهای عادی و حتی نوابغ از انجام آن عاجزند، مانند اژدها شدن عصای حضرت موسی و زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (ع).

فرق معجزه با خارق عادت چیست؟ همه ما شنیده‌ایم که در هندوستان اشخاصی به نام مرتاض وجود دارند که کارهای عجیب و غریب می‌کنند، مثلاً قطار در حال حرکت را نگه می‌دارند. این چنین کارها معجزه نیست؛ بلکه خارق عادت است. فرق معجزه با کارهای خارق عادت به شرح زیر است:

۱ - مرتاض‌ها کاری را انجام می‌دهند که تمرین کرده‌اند و هیچ مرتاضی نیست که کاری را بدون تمرین انجام دهد، برخلاف پیامبران. مثلاً قوم هود وقتی از حضرت صالح (ع) درخواست کردند که از دل کوه شتری را بیرون بیاورد، او با قدرت خداوند، از دل کوه، شتری را بیرون آورد.

۲ - مرتاضها قدرت تحدی و مبارزه‌طلبی ندارند؛ یعنی کاری را که انجام می‌دهند، ممکن است مرتاض دیگری هم انجام دهد. اما انبیا قدرت تحدی و مبارزه‌طلبی دارند و هیچ کس نمی‌تواند مانند معجزات آنها را بیاورد.

چرا قرآن بزرگ‌ترین معجزه است؟

بنا به سه دلیل، قرآن بزرگ‌ترین معجزه پیامبر و برترین معجزه همه پیامبران می‌باشد:

۱. برخلاف معجزات سایر انبیا که تنها چشم و گوش مردم را تسخیر می‌کرد و آنها در برابرش سر تسلیم فرود می‌آوردند، قرآن معجزه‌ای است که با عقل و روح مردم سر و کار دارد.

۲. قرآن معجزه‌ای است جاودانی و همیشگی؛ برخلاف معجزات سایر انبیا که امروزه اثری از آنها باقی نیست.

۳. ۱۴ قرن است که قرآن تحدی و مبارزه‌طلبی می‌کند و فریاد می‌زند که «اگر می‌گویید این کتاب آسمانی از سوی خدا نیست، همانند آن را بیاورید»، پس قرآن معجزه‌ای است گویا، جاودانی و روحانی.

مراحل تحدی در قرآن

قرآن در سه مرحله، تحدی و مبارزه‌طلبی می‌کند که بشرح زیر است:

۱ - در مرحله اول در آیه ۸۸ سوره اسراء می‌گوید: بگو اگر تمام جهانیان اجتماع کنند که مانند این قرآن را بیاورند نمی‌توانند، اگر چه با یکدیگر نهایت همفکری و همکاری را داشته باشند.

۲ - در آیه ۱۳ سوره هود، شرط این مبارزه را آسان‌تر کرده، می‌گوید: «آیا کفار می‌گویند که این آیات را به خدا بسته است؟ به آنان بگو: اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره دروغین مانند آن بیاورید، و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید به کمک دعوت کنید».

آموزش دین (۴)

۳- دیگر بار شرایط مبارزه را به حداقل کاهش داده و در آیه ۲۳ سوره بقره می گوید: «اگر در کتابی که بر بنده خود نازل کرده ایم تردید دارید، لااقل یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان و همفکران خود را غیر از خدا دعوت کنید، اگر راست می گوئید». حتماً توجه دارید که کوچکترین سوره قرآن، سوره کوثر است که سه آیه کوتاه دارد، ولی در عین حال، منکران نتوانستند یک سوره به همین اندازه هم بیاورند. قرآن پس از آن با صراحت می گوید: «اگر این کار را انجام ندادند، (یعنی سوره‌ای مانند قرآن نیاوردند) که هرگز نمی توانند انجام دهند، بگو از آتشی بهره‌یزند که آتشگیره‌اش مردم و سنگهاست و برای کافران مهیا شده است.»

این مبارزه طلبی پی در پی و مقابله با منکران، نشان می دهد که پیامبر(ص) بیشترین تکیه خود را بر مسأله معجزه بودن قرآن قرار داده، هر چند که معجزات زیاد دیگری از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است.

سؤالهای درس بیست و پنجم

- ۱- معجزه را تعریف کنید.
- ۲- چرا قرآن مجید برترین و بالاترین معجزه پیامبر گرامی اسلام است؟
- ۳- فرق معجزه با خارق عادت چیست؟
- ۴- تحدی یعنی چه و چند مرحله تحدی در قرآن وجود دارد؟
- ۵- هر یک از مراحل تحدی قرآن را توضیح دهید.

درس بیست و ششم

روزه قضا و احکام آن

اگر کسی روزه‌ای را در وقت معین آن نگیرد، باید روزه دیگری به جای آن بگیرد. چنین روزه‌ای، روزه قضا نام دارد.

برخی از احکام روزه قضا عبارتند از:

۱ - لازم نیست قضای روزه را بعد از رمضان فوراً به جا آورد؛ اما باید قبل از رسیدن رمضان سال بعد به جا آورده شود.

۲ - اگر انسان در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد، و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید آن روزه قضا را بعد از رمضان دوّم گرفته، و برای هر روز، یک مُدّ گندم یا جو و مانند اینها را به فقیر بدهد یک مُدّ، حدود ۷۵۰ گرم می‌باشد.

۳ - کسی که باید برای هر روز روزه قضا یک مُد طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره چند روز روزه را به یک فقیر بدهد.

۴ - کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، تا پیش از ظهر می‌تواند روزه خود را باطل نماید.

۵ - اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست؛ ولی باید برای هر روز، یک مُد طعام به فقیر بدهد.

۶ - بعد از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر باید قضای روزه‌های پدر را که از او قضا شده به جا آورد؛ ولی قضای روزه مادر واجب نیست.

کفاره روزه و احکام آن

کفاره یعنی جریمه‌ای که به خاطر باطل کردن و یا نگرفتن روزه واجب در وقت معین، بر انسان واجب می‌شود، و آن عبارتست از:

۱ - دو ماه روزه گرفتن، که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛

۲ - سیر کردن شصت فقیر و یا دادن یک مُد طعام (۷۵۰ گرم) به هر یک از آنها.

کسی که روزه‌ای را در ماه مبارک رمضان عمداً افطار کند، و یا روزه ماه مبارک رمضان را نگیرد، باید یکی از دو مورد فوق را انجام دهد، و چنانچه برایش ممکن نباشد، هر چند مُد طعام که می‌تواند به فقرا طعام بدهد، و اگر نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.

آموزش دین (۴)

دو مسئله:

- ۱ - انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال به جا نیاورد، چیزی به آن اضافه نمی‌شود.
- ۲ - کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر کاری را که روزه را باطل می‌کند عمداً انجام دهد، باید به ده فقیر، هر کدام یک مد طعام بدهد، و اگر نمی‌تواند، باید سه روز روزه بگیرد.

سؤالهای درس بیست و ششم

- ۱ - روزه قضا را تعریف کنید.
- ۲ - روزه قضا را در چه زمانی باید به جا آوریم؟
- ۳ - در چه صورت انسان باید برای قضای روزه رمضان یک مد طعام به فقیر بدهد؟
- ۴ - روزه‌داری که قضای روزه ماه مبارک رمضان را گرفته، در چه صورت می‌تواند افطار کند؟
- ۵ - در چه صورت قضای روزه رمضان بر انسان واجب نیست؟
- ۶ - وظیفه کسی که روزه ماه مبارک رمضان را عمداً افطار کند، و یا اصلاً آن روز را روزه نگیرد چیست؟

درس بیست و هفتم

فکر گناه

عبدالله فرزند امام موسی و عموی امام جواد است. او پیرمردی متواضع و با ایمان بود و به امام جواد که در سن هشت سالگی به امامت رسیده بود احترام کامل می گذاشت، و اگر امام جواد، اشتباه او را تذکر می داد، با کمال تواضع فوراً می پذیرفت و اشتباه خود را اصلاح می کرد.

عبدالله می گوید: روزی از پدرم امام موسی بن جعفر پرسیدم: اگر انسان فکر گناه و یا فکر کار نیک بکند، آیا دو فرشته‌ای که بر انسان گماشته شده و اعمال نیک و بد او را می نویسند، با خبر می شوند؟ امام پاسخ داد: آیا بوی چاه فاضل آب و بوی خوش با یکدیگر برابرند؟! گفتم: خیر. گفت: انسان زمانی که قصد انجام کار نیکی را دارد، در حالی نفس از بدنش خارج می شود که دارای بویی نیکو است، و فرشته‌ای که بر شانه راست انسان، کارهای نیک او را می نویسد، به فرشته شانه چپ که کارهای بد او را می نویسد می گوید: برخیز که او اراده نیک دارد، و آن گاه که کار نیکش را انجام داد، زبانش قلم فرشته، و آب دهانش مرکب او می شود و آن را می نویسد، و هنگامی که اراده گناه کند، نفسش بد بو می شود و فرشته سمت چپ به فرشته سمت راست می گوید: «صبر کن که او تصمیم بر گناه دارد»، و هنگامی که گناه را انجام داد، زبانش قلم او، و آب دهانش مرکب او می شود و آن را ثبت می کند.

روزی یاران مخصوص حضرت عیسی (حواریون) به حضور او آمدند و به او گفتند: ای معلم نیکوها! ما را هدایت کن. عیسی (ع) فرمود: پیامبر خدا، موسی به اصحابش گفت: سوگند دروغ به خدای بزرگ نخورید، اما من می گویم: اصلاً سوگند به خدا نخورید، خواه راست باشد، یا دروغ. حواریون گفتند: ما را بیشتر نصیحت کن. فرمود: موسی (ع) به اصحابش فرمود: زنا نکنید، اما من به شما می گویم: حتی در جان (دل) خویش فکر زنا و نزدیکی با نامحرم نکنید؛ زیرا کسی که فکر زنا می کند، مانند کسی است که در یک اطاق نقاشی شده و زیبا، آتشی روشن کند، و دود سیاه آن آتش، اگر چه اطاق را نمی سوزاند، اما اطاق زیبا را سیاه و دود آلود می کند. فکر گناه زیباییهای معنوی انسان را به سیاهی و تیرگی مبدل می سازد و در ایمان انسان تأثیر بد می گذارد.

ویژگیهای امت مسلمان در کلام خدا به پیامبر در شب معراج:

در امم پیشین، پاداش هر حسنه و نیکی یک حسنه و سزای هر سیئه یک سیئه بود.

اما در امت اسلام، پاداش هر حسنه، ده حسنه، و سزای هر سیئه، یک سیئه است.

در امم پیشین اگر کسی قصد انجام کار نیکی داشت و آن را انجام نمی داد، پاداشی برای او نوشته نمی شد.

اما در امت اسلام، اگر کسی قصد انجام کار نیکی داشت و آن را انجام نداد، پاداش آن کار نیک برای او

آموزش دین (۴)

نوشته می شود. در امم پیشین اگر کسی قصد انجام گناه داشت، اما آن را انجام نمی داد، گناهی بر او نمی نوشتند، اما در امت اسلام، اگر کسی قصد انجام گناه را داشته باشد. و آن را ترک کند، برای او حسنه نوشته می شود.

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که:

مؤمن زیرک کسی است که هرگز به فکر انجام گناه نباشد، بلکه همیشه به فکر انجام نیکیها باشد، تا در برابر تصمیم بر نیکیها، پاداش انجام آن را بگیرد.

سؤالهای درس بیست و هفتم:

۱. حضرت امام موسی بن جعفر (ع) در پاسخ فرزندش عبدالله که پرسید: آیا دو فرشته ای که بر انسان گمارده شده اند، از فکر کار نیک و بد انسان باخبر می شوند، چه فرمود؟
۲. حضرت عیسی به حواریون که دستور هدایت از او می خواستند چه فرمود؟
۳. ویژگیهای امت اسلام در کلام خدا به پیامبر (ص) در شب معراج چیست؟
۴. مؤمن زیرک کیست؟

درس بیست و هشتم

آخرین پیامبر

حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر خداست و سلسله نبوت، با او پایان پذیرفت، و هیچ یک از مسلمانان در انتظار آمدن پیامبر جدیدی نیستند. خاتمیت پیامبر اسلام از ضروریات دین اسلام است، و به چیزی در دین اسلام ضروری دین می‌گویند که همه فرقه‌های مسلمانان به آن اعتقاد داشته باشند. مثلاً همه فرقه‌های مسلمان به نماز و روزه و حجاب اعتقاد دارند و آن را واجب می‌دانند.

چرا محمد آخرین پیامبر است؟

۱. یکی از آداب و رسوم زمان جاهلیت، پسر خواندگی با شیوه‌ای خاص بود. آنها فردی را که از پدر و مادری دیگر بود، به عنوان فرزند خود برمی‌گزیدند، و او مانند فرزند حقیقی، داخل خانواده آنها می‌شد، او را محرم خانواده خود می‌پنداشتند و او از آن خانواده ارث می‌برد. اما اسلام این رسم جاهلی را برداشت و گفت: پسرخوانده‌ها هرگز مشمول قوانین حقوقی و شرعی فرزند حقیقی نیستند.

پیامبر اسلام هم پسرخوانده‌ای به نام زید داشت که او را در سن ۹ سالگی به عنوان برده به پیامبر هدیه کرده بودند. پیامبر مهربان که می‌دانست او در واقع برده نیست، بلکه در دعواهای قبیلگی به بردگی گرفته شده، می‌خواست او را به نزد خانواده‌اش بازگرداند، اما زید نشانی محل سکونت خود را نمی‌دانست؛ لذا پیامبر او را آزاد کرد و سپس زید را به نام فرزند خود نامید. خداوند برای اینکه روشن کند که زید فرزند حقیقی پیامبر نیست، در آیه ۴۰ سوره احزاب، از مردم خواست که پیامبر را پدر هیچ یک از مردان خود، از جمله زید نشمارند؛ یعنی اینکه پیامبر، پدر حقیقی زید نیست. در آیه فوق چنین می‌خوانیم: «پیامبر اسلام، پدر هیچ یک از شما نبوده؛ بلکه او رسول خدا و خاتم النبیین می‌باشد. در این آیه به دو مطلب مهم اشاره شده؛ یکی اینکه: زید فرزند حقیقی پیامبر نیست، و بنابراین، از پیامبر ارث نمی‌برد و محرم همسران و دختران پیامبر نیست، و دیگر اینکه: حضرت محمد(ص) خاتم النبیین، یعنی آخرین پیامبر می‌باشد.

فرق نبی و رسول چیست؟

«نبی» به معنای کسی است که خبر بزرگی را دریافت کرده است. اما «رسول» به معنای فرستاده است، و رسول به پیامبری گفته می‌شود که مأمور است خبری را که از خداوند دریافت کرده، به مردم برساند. بسیاری از پیامبران بودند که تنها نبی بودند و رسول نبودند و مأمور رساندن پیامهای دریافتی از خدا، به مردم نبودند. بنابراین، برای اینکه کسی رسول باشد، باید ابتدا نبی بوده باشد و خبری را از خداوند دریافت کرده باشد، تا بتواند رسول باشد و به عبارت دیگر: هر رسولی باید ابتدا نبی بوده باشد. بنابراین، وقتی قرآن می‌گوید: پیامبر، خاتم النبیین است، معنایش این است که او خاتم المرسلین هم هست، و کسی نمی‌تواند بعداً بیاید و بگوید من

آموزش دین (۴)

رسول خدا هستم و قرآن نگفته که پیامبر خاتم المرسلین است؛ زیرا وقتی گفته شد پیامبر خاتم النبیین است، مانند این است که گفته باشد او خاتم المرسلین است.

۲. در احادیث و روایات اسلامی نیز به خاتمیت پیامبر اسلام اشاره شده که به یک مورد آن اشاره می‌شود:

در ماجرای غزوة تبوک که در سال نهم هجرت واقع شد، پیامبر(ص) وقتی می‌خواست از مدینه خارج شود، علی بن ابیطالب را به عنوان جانشین خود در مدینه باقی گذاشت. علی(ع) که بسیار شجاع و فاتح بسیاری از میدانهای نبرد بود، دوست می‌داشت که در این جنگ هم شرکت کند. لذا به پیامبر گفت: «آیا مرا در میان زنان و کودکان باقی می‌گذاری؟» پیامبر در جواب او فرمود: آیا نمی‌خواهی که نسبت تو به من، همانند نسبت هارون به موسی باشد جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود؟

در این پاسخ، پیامبر(ص) با صراحت بیان فرمود که بعد از ایشان پیامبری نخواهد بود و ایشان خاتم پیامبران می‌باشند.

سؤالهای درس بیست و هشتم

- ۱ - ضروری دین یعنی چه؟
- ۲ - پسرخواندگی در جاهلیت چگونه بود و نظر اسلام در این باره چیست؟
- ۳ - چه دلیلی از قرآن بر خاتمیت پیامبر گرامی اسلام وجود دارد؟
- ۴ - نبی و رسول یعنی چه؟
- ۵ - چه دلیلی از احادیث اسلامی بر خاتمیت پیامبر اسلام داریم؟

درس بیست و نهم

احکام روزه مسافر

- ۱ - مسافری که باید نمازهای چهاررکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و کسی که شغلش سفر است و یا سفر او، سفر معصیت و گناه است، باید در سفر روزه بگیرد.
- ۲ - مسافرت در ماه مبارک رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.
- ۳ - اگر روزه دار، بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند.
- ۴ - اگر روزه دار پیش از ظهر مسافرت نماید، بعد از آنکه به حد ترخص رسید، یعنی جایی که دیوارهای شهر را نبیند و اذان آن را نشنود، نباید روزه بگیرد.
- ۵ - اگر مسافر در ماه رمضان پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد.
- ۶ - اگر مسافر، بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

زکات فطره، مقدار و مصرف آن

- ۱ - روزه داری که هزینه های سال خود را دارد، واجب است در پایان ماه مبارک رمضان برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، مانند همسر و فرزند، برای هر نفر یک صاع که تقریباً سه کیلوگرم است از غذای غالب سال خود را و یا قیمت آن را به فقیر بدهد.
- ۲ - زکات فطره باید به فقیری شیعیه داده شود، و فقیر کسی است که هزینه یکسال خود را نتواند تأمین کند.
- ۳ - کسی که هاشمی، یعنی سید نیست، نمی تواند زکات فطره خود را به هاشمی بدهد.
- ۴ - نباید به کسی که زکات فطره را در راه گناه مصرف می کند، زکات فطره داد.
- ۵ - مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر را بر دیگران مقدم داشت، و پس از آن، نوبت به همسایگان فقیر می رسد.
- ۶ - اگر زکات فطره از چیز معیوب داده شود، کافی نیست.
- ۷ - دادن زکات فطره از عبادات است و باید با قصد قربت انجام شود.
- ۸ - زکات فطره را باید پیش از نماز عید فطر پرداخت کرد.

آموزش دین (۴)

سؤالهای درس بیست و نهم

- ۱- در چه شرایطی مسافر در سفر باید روزه بگیرد؟
- ۲- در چه صورت مسافر نباید روزه بگیرد؟
- ۳- حد ترخص چیست؟
- ۴- مسافری که در ماه مبارک رمضان قبل از ظهر به وطنش می‌رسد، وظیفه‌اش چیست؟
- ۵- زکات فطره را تعریف کنید.
- ۶- زکات فطره را در چه زمانی و به چه کسانی باید پرداخت کرد؟

درس سی ام

گره گشا باشیم

در ۲۱ نبرد، خود او حضور داشت، و در نوزده جنگ من با او بودم، و در دو جنگ حضور نداشتم. در یکی از جنگها که با او بودم، شبی در مسیری می‌رفتیم که ناگهان شتر ضعیفم که با آن آب کشی هم می‌کردم از حرکت باز ایستاد و روی زمین خوابید. هر چه تلاش کردم از جایش تکان نخورد و من در دنباله کاروان جنگی بازماندم. عادت پیامبر خدا(ص) این بود که همیشه در آخر کاروان و قافله حرکت می‌کرد و بازماندگان را حرکت می‌داد و آنان را بر مرکب خویش سوار کرده و برای آنها دعا می‌کرد. از فرط درماندگی در آن تنهایی و تاریکی شب مادرم را صدا زدم و گفتم: «وای مادر! ما همیشه شتر آبکش بدی داشتیم». البته شتر تقصیری نداشت؛ زیرا شتر جنگی نبود، و شاید هم مادرم راضی به بیرون آوردنش نبود. در همین افکار بودم که ناگهان صدای پیامبر را شنیدم که پرسید: که هستی؟ گفتم: من جابرم، پدر و مادرم قربان شما! گفت: مشکل چیست؟ گفتم: شترم و مانده و حرکت نمی‌کند. گفت: آیا عصا با خود داری؟ گفتم: آری.

عصا را گرفت و با عصا چند بار به او زد. شتر از جای خود حرکت کرد و بلند شد. او دوباره شتر را خواباند و دستانش را برایم قلاب کرد و گفتم: سوار شو. پیام را در دستان پیامبر که رکاب گرفته بود گذاشتم و سوار شدم و با هم حرکت کردیم. اما شتر من پیوسته از شتر پیامبر پیشی می‌گرفت. آن شب پیامبر برای من ۲۵ مرتبه طلب آمرزش کرد، و سپس پرسید: عبدالله چند فرزند داشت؟ گفتم: هفت دختر و یک پسر که منم. پرسید: آیا پدرت قرضی هم داشت؟ گفتم: آری. گفت: وقتی به مدینه برگشتی با طلبکاران قراری برای پرداخت بگذار، و اگر قبول نکردند که طلب خود را با مدت بگیرند، وقت چیدن خرماهایتان مرا خبر کن. سپس پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: بلی. گفت: با چه کسی. گفتم: با فلان زن، دختر فلان کس که یکی از بیوه زنان مدینه بود. پرسید: چرا دوشیزه نگرفتی که با هم همبازی باشید؟! گفتم: یا رسول‌الله! خواهران جوان و بی‌تجربه‌ای داشتم، نخواستم زن جوان و بی‌تجربه بگیرم؛ مصلحت دیدم که عاقله زنی را به همسری انتخاب کنم. فرمود: فکر عاقلانه و کار درستی کردی، حالا بگو بینم، این شترت را چند خریده‌ای؟ گفتم: ۵ اوقیه طلا (۳۵ مثقال طلا). فرمود: به همین قیمت مال من باشد، به مدینه که برگشتیم بیا پولش را بگیر. وقتی به مدینه برگشتیم شتر را برای پیامبر آوردم. پیامبر فرمود: بلال! ۵ اوقیه طلا به جابر بده تا کمکی به پرداخت قرض پدرش باشد و سه اوقیه دیگر هم به آن اضافه کن و شترش را نیز به او بازگردان. سپس رو به من کرد و پرسید: آیا با طلبکاران قرار پرداخت گذاشتی؟ پاسخ دادم: خیر یا رسول‌الله! پرسید: آیا پدرت چیزی برای پرداخت قرضهایش باقی گذاشته است؟ گفتم: چیزی باقی نگذاشته. گفت: اشکالی ندارد، وقت چیدن خرماهایتان مرا خبر کن.

آموزش دین (۴)

آن روز ۸ اوقیه طلا را گرفتم و برگشتم و مقداری به امورم سامان دادم، و منتظر ماندم تا فصل برداشت محصول رسید و پیامبر را خبر کردم. پیامبر به نخلستان ما آمد و برای ما دعا کرد و سپس شروع به چیدن خرما کردیم، آنقدر خرما چیدیم که به جای طلب همه طلبکاران خرما دادم و بیش از آنچه که هر سال برداشت می کردیم، خرما برای ما باقی ماند.

پیامبر فرمود: «باقیمانده محصول را بردارید و آنها را پیمانانه نکنید». خرماها را برداشتم و مدتی طولانی از آنها استفاده می کردیم.

۲ _ میمون می گوید: در نزد حسن بن علی بن ابیطالب در مسجد پیامبر(ص) به اعتکاف نشسته بودیم که مردی نزد او آمد و گفت: فلان کس از من مالی را طلب دارد و می خواهد که مرا به زندان بیندازد. حسن بن علی فرمود: قسم به خدا پولی ندارم که قرضت را پرداخت کنم. مرد گفت: پس با او صحبت کنید که مهلت دهد و مرا به زندان نیندازد.

امام(ع) فوراً کفشش را پوشید و عازم خروج از مسجد شد من گفتم: ای پسر پیامبر! آیا فراموش کرده اید که در حال اعتکاف هستید. گفت: خیر، اما از پدرم شنیدم که از جدم پیامبر نقل می کرد که او فرمود: «هر کس برای برآوردن نیاز برادر مسلمانش تلاش کند، مانند آن است که خداوند را نه هزار سال عبادت کرده، در حالی که روز را روزه داشته و شب را به عبادت پرداخته».

سؤالهای درس سی ام

۱. از داستان جابر بن عبدالله که در این درس نقل شد چه نتایج می گیرید؟
۲. از ترک اعتکاف امام حسن(ع) و گره گشایی از مشکل دیگران چه نتیجه ای می گیرید؟
۳. پیامبر گرامی اسلام(ص) ثواب برآوردن نیاز دیگران را چه مقدار بیان کرد؟